

جہاد تبیین



کاری از دفتر نہاد نمایندگی

مقام معظم رہبری

دردانشگاہ اراک

الله اعلم



نهاد تبلیغی امام خمینی رهبری
و دانشگاه اراک

جهاد تبیین

کاری از دفتر نهاد رهبری دانشگاه اراک

مسئول پروژه و ناظر کیفیت:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی مهدوی اطهر

گردآورنده:

حجت الاسلام والمسلمین حسین هداوندی

ویراستار و طراح گرافیک:

علیرضا صفری

نسخه اول

@Arak_nahad



فهرست

مقدمه	۱۰
جهاد	۱۱
در لغت	۱۱
در اصطلاح	۱۲
جهاد در قرآن	۱۳
۱. خداوند دوست دار مجاهدین:	۱۳
۲. بزرگداشت مجاهدین:	۱۴
۳. دستور به جهاد	۱۷
جهاد در روایات	۱۹
۱. فضیلت جهاد در روایات	۱۹
۲. جهاد، عامل اصلاح و سعادت‌مندی جامعه	۲۱
۳. اقسام جهاد در روایات	۲۲
فتاوا و بیانات برخی از مراجع تقلید	۲۳
حضرت آیت‌الله‌العظمی سید محمدکاظم طباطبائی	۲۳
حضرت امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب	۲۴
حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای ^{حفظه الله}	۲۵
ارکان جهاد	۲۶
۱. استمرار	۲۶

۲. مضاعف بودن ۲۸
۳. در مقابل دشمن ۲۹
۴. مبارزه ۳۰
- اهمیت جهاد ۳۲
- از منظر قرآن ۳۲
- از منظر روایات ۳۳
- از منظر حضرت امام خمینی (ره) ۳۴
- از منظر مقام معظم رهبری ۳۵
- دو تفسیر غلط و يك تفسیر صحیح از جهاد ۳۵
- تفسیر غلط دیگر از جهاد؛ جهاد یعنی مبارزه‌ی مسلحانه ۳۷
- تفسیر صحیح از جهاد؛ مبارزه‌ی با دشمن ۳۸
- انواع جهاد ۴۰
- جهاد اصغر: ۴۰
- جهاد اکبر: ۴۱
- جهاد کبیر ۴۳
- الزامات جهاد کبیر: ۵۱
- عرصه‌های جهاد ۵۳
- (۱) جهاد علمی: ۵۳
- (۲) جهاد سیاسی: ۵۸
- (۳) جهاد نظامی: ۵۹

- ۴) جهاد فرهنگی: ۶۱.....
۱. شناخت هدف، ابزار، شیوه و راهکارهای دشمن ۶۲
۲. برنامه‌ریزی فرهنگی ۶۲
۳. مبارزه جدی با فساد و فحشاء ۶۲
۴. گسترش امر به معروف و نهی از منکر ۶۳
۵. احیای فرهنگ ناب محمدی (ص) ۶۴
۶. به شیوه تهاجمی عمل کردن ۶۵
۷. عمق بخشیدن به بصیرت دینی، سیاسی و فرهنگی جامعه به ویژه جوانان ۶۵
۸. تداوم و ایستادگی ۶۶
- ۵) جهاد اقتصادی ۶۷
۱. ارتباطات علمی و فرهنگی ۶۹
۲. آموزش نیروها ۶۹
۳. توان علمی ۶۹
۴. خودسازی ۷۰
۵. شاخص سازی برای جهاد اقتصادی ۷۰
۶. درونی شدن مبانی اسلام ۷۱
۷. امید، ایثار و سخت‌کوشی ۷۱
- تبیین (روشنگری) ۷۳
- شرایط تبیین ۷۵

- ۷۷ عرصه‌های تبیین
- ۷۷ تبیین معارف
- ۷۹ تبیین انقلاب اسلامی
- ۸۲ آداب جهاد تبیین
- ۸۳ ۱. آگاه‌سازی بدون ایجاد فتنه، فساد و دعوا
- ۸۴ ۲. متقن، مستدل و بهنگام
- ۸۴ ۳. دوری از جنجال، هیاهو و غرض‌ورزی
- ۸۵ ۴. عمارگونه و بدون تعصب و تعلقات جناحی
- ۸۵ ۵. استقامت و تکرار
- ۸۶ ۶. پرهیز از تهمت زدن
- ۸۷ توصیه‌های رهبری در مورد فضای مجازی
- ۸۷ ۱. مقابله با دشمن در جنگ نرم در فضای مجازی
- ۸۸ ۲. ضرورت قوی شدن در فضای مجازی
- ۸۸ ۳. هدایت و مدیریت فضای مجازی توسط دشمنان
- ۹۰ ۴. تشکیل جبهه واحد در فضای مجازی
- ۹۰ ۵. تبلیغ مفاهیم و معارف اسلامی در فضای مجازی
- ۹۱ بررسی آسیب‌های اخلاقی در فضای مجازی
- ۹۲ ۱. شکاف دیجیتالی
- ۹۴ ۲. خود عالیم‌پنداری
- ۹۶ بررسی یک انتساب نادرست

۳. اعتیاد به اینترنت ۹۷
۱. تعیین زمان‌های مشخصی برای استفاده از اینترنت ۹۸
۲. بیشتر کردن ارتباط با خانواده و دوستان ۹۸
۳. استفاده از پاداش و تنبیه ۹۹
۴. جذب مخاطب به هر قیمت ۱۰۲
۵. تغییر سبک زندگی ۱۰۳
- راه کارهای گسترش اخلاق در فضای مجازی ۱۰۵
۱. احترام به حریم خصوصی دیگران ۱۰۵
۲. شبکه ملی اطلاعات ۱۰۶
- منابع و مآخذ ۱۰۹

مقدمه

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های حرکت انقلاب اسلامی تبیین است؛ انقلاب از اساس با تبیین، روشنگری، بیان منطقی، مستدل و مبتنی بر فطرت انسانی آغاز گردید. یکی از مهم‌ترین موضوعات و پدیده‌هایی که تبیین درباره آن اهمیت دارد، روشنگری در باب فضای مجازی می‌باشد. استفاده از فضای مجازی علیرغم اینکه دارای فرصت‌های فراوانی است و باعث سهولت امور می‌باشد، در صورت عدم مدیریت صحیح و رها ساختن آن، باعث بروز نتایج ناگوار و آسیب‌های متعددی به‌خصوص برای کودکان و نوجوانان خواهد شد. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی می‌فرماید؛ در عرصه‌ی جهاد تبیین، توجه به نیازهای روز و نوآوری در روش‌ها به‌گونه‌ای که بر جان‌ودل مخاطبان بنشیند از شرایط لازم است. بدون تبیین حقیقت، افکار عمومی در ظلمت و فضای غبارآلود باقی خواهد ماند و دشمن سوءاستفاده خواهد کرد و اگر کسی بتواند حقایق را در چشم مردم تحریف کند، یعنی در واقع عمل و بازو و اراده مردم را به سمت گمراهی کشانده است. مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۴۰۰/۰۷/۰۵ در دیدار اربعینی دانشجویان از جهاد تبیین نام بردند که منظور از این نوع جهاد، روشنگری در همه فضاها به‌خصوص در فضای مجازی بود. از این رو بر خود لازم دانستیم با تدوین این مجموعه روشنگری هر چند اندک در ظلمت فضای مجازی صورت گیرد.

مهدی مهدوی اطهر

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اراک



جهاد

در لغت

الْجُهْدُ وَالْجُهْدُ يَعْنِي طَاقَتَ وَنِيْرُو وَ مَشَقَّتَ وَ سَخْتِي. گفته شده- جهاد با فتحه حرف (ج) یعنی مَشَقَّتَ و سَخْتِي و با ضمه حرف (ج) یعنی کوشش گسترده و وسیع باندازه طاق و در این معنی در باره انسان خدای تعالی می گوید:

وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ^۱

و در آیه دیگر این گونه بیان می دارند:

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ^۲

یعنی سوگند خوردند و تأیید نمودند که بیشتر از وسع و نیرویشان بکوشند و مؤمن شوند.^۳

جهاد: (به فتح اوّل و ضمّ آن) صعوبت و مشقّت. چنانکه در قاموس و مفردات گفته است در اقرب الموارد آن را تلاش توأم با رنج معنی می کند. صحاح طاق (سختی) گفته است در مجمع البیان ذیل آیه ۲۱۷ بقره فرماید: «جَاهَدْتُ الْعَدُوَّ» یعنی در جنگ با دشمن مشقّت را بر خود هموار کردم و در

۱. توبه: ۷۹.

۲. انعام: ۱۰۹.

۳. خسروی، حسینی غلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، ج ۱، ص ۴۲۳.



ذیل آیه ۷۹ توبه فرموده: جُهد بضمّ اوّل و فتح آن هر دو به يك معنى و آن وادار کردن خود بر مشقّت است و از شعبی نقل شده که جُهد (بفتح اوّل) در عمل و جهد (بضمّ اوّل) در قوت و طعام است و از قتیبی نقل است که جهد (بفتح) مشقّت و بضمّ طاعت است. بنا بر اقوال گذشته معنای: فلانی جهاد کرد آنست که قدرت خود را بکار انداخت، متحمّل مشقّت گردید، تلاش توأم با رنج کرد. جامع همه اقوال قول اقرب الموارد است پس جهد و جهاد یعنی: تلاش توأم با رنج.^۱

به طور کلی در این که جهاد یعنی تلاش توأم با رنج و کوشش در همه منابعی که در مورد جهاد سخن به میان آورده‌اند بیان کرده‌اند. و این هم نیز از ویژگی‌های جهاد می‌باشد

در اصطلاح

صاحب جواهر در تعریف اصطلاحی جهاد می‌گوید:

"الجهاد بذل النفس و المال و الوسع فی اعلاء کلمة الاسلام و اقامة شعائر الايمان"^۲

جهاد بذل جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر دین است.

در شرح لمعه نیز این گونه آمده است:

«الجهاد شرعاً بذل النفس و ما يتوقف عليه من المال فی محاربة المشركين او الباغين فی سبيل اعلاء کلمة الاسلام على وجه مخصوص»^۱

۱. قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۷۷.

۲. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، (دارالکتب الاسلامیه)، ج ۲۱، ص ۳.



در شرع مقدس اسلام جهاد عبارت است از بذل جان و مال به طریقی مخصوص برای جنگ با مشرکان و یا افراد باغی در راه اعتلای کلمه اسلام. مهم‌ترین مفهوم اصطلاحی این واژه در متون دینی، همانند کاربرد عام آن، گونه‌ای خاص از تلاش است یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود با هدف گسترش اسلام یا دفاع از آن می‌باشد.

جهاد در قرآن

خداوند ۱۸ مرتبه نام جهاد و قتال را در قرآن آورده است که می‌توان این آیات را در سه دسته قرار داد

۱. خداوند دوست دار مجاهدین :

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ^۲
خدا آن مؤمنان را که در راه او در صف جهاد با کافران، مانند بنیان و سدّی آهنین همدست و پایدارند بسیار دوست می‌دارد.

۱. زین الدین جیبی عاملی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، (بيروت، دارالعالم الاسلامي)، ج ۲، ص ۳۷۹، پاورقی.
۲. صف: ۴.

در این آیه خداوند یک ویژگی را بیان می‌دارند و می‌فرمایند که این ویژگی را دوست دارند و آن مجاهدت در راه خداوند می‌باشد و نفس پیکار مطرح نیست، آنچه مهم است اینکه پیکار "فِي سَبِيلِ اللَّهِ" باشد.^۱

و در مورد صفات رزمندگان این گونه بیان شده است که:

اولاً، اهل عمل باشند و جهاد آنان فقط در گفتار خلاصه نشود؛

ثانیاً، در راه خدا پیکار کنند، یعنی هر نوع جنگی با هر هدفی محبوب خدا

نیست؛

ثالثاً، بدون تفرقه در صف واحدی مبارزه کنند و هم‌چون ساختمان سربی

محکم باشند.^۲ در واقع خداوند رزمندگانی را دوست می‌دارد که این ویژگی‌ها

در آن‌ها باشد و از این خصوصیات رویگردان نباشند.

۲. بزرگداشت مجاهدین:

خداوند در قرآن کریم ۷ آیه را به این امر اختصاص داده است که از

ارزش‌های مجاهدین یاد کرده است و عمل آن‌ها را بزرگ شمرده است. که از این

میان در اینجا به اختصار یک آیه را بررسی می‌کنیم^۳:

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۶۴.

۲. تفسیر قرآن مهر، ج ۲۰، ص ۳۴۳.

۳. آیات در این قسمت: توبه: ۸۸؛ بقره: ۲۱۸؛ حجرات: ۱۵؛ انفال: ۷۴؛ توبه: ۲۰؛ توبه: ۱۱۱.

دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

آن گروه از مؤمنانی که بدون بیماری جسمی [و نقص مالی، و عذر دیگر، از رفتن به جهاد خودداری کردند و] در خانه نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با اموال و جان‌هایشان به جهاد برخاستند، یکسان نیستند. خدا کسانی را که با اموال و جان‌هایشان جهاد می‌کنند به مقام و مرتبه‌ای بزرگ بر خانه نشینان برتری بخشیده است. و هر یک [از این دو گروه] را [به خاطر ایمان و عمل صالحشان] وعده پاداش نیک داده، و جهادکنندگان را بر خانه نشینان [بی عذر] به پاداشی بزرگ برتری داده است.

در این آیه خداوند متعال به صراحت بیان داشته‌اند که برای مجاهدین اجر و مقام قرار داده است و آن‌ها را به خاطر همین امر جهاد بر افرادی که حاضر به جهاد در راه خداوند نشده‌اند برتری داده است و مقام این دو دسته را یکسان قرار نداده است.

کما این که در تفسیر این آیه هم این گونه نقل شده است که: ابو حمزه ثمالی در تفسیر خود آورده که: در حین رفتن به غزوه تبوک، جمعی تخلف نمودند از آن، مانند کعب بن مالک از بنی سلمه، و مرارة بن ربیع از بنی عمر بن عوف، و هلال بن امیه از بنی واقف و عبد الله بن امّ مکتوم که به جهت کوری زبان به



اعتذار گشود. عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من نابینا هستم و بدان سبب از مقاتله محروم مانده‌ام.

حق تعالی آیه شریفه در باره آن‌ها نازل فرمود:

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ: مساوی یکدیگر نیستند نشستگان در خانه خود از مؤمنین، غَيْرِ أُولَى الضَّرَرِ: غیر صاحبان بیماری و عجز. مروی است که از زید بن ثابت که چون این آیه نازل شد، در او لفظ «غیر اولی الضرر» نبود.

ابن امّ مکتوم گفت: من خدمت رسول رفتم، عرض کردم: یا رسول الله حال من چون باشد که نابینایم و از جهاد عاجزم؟ همان زمان آثار وحی بر آن حضرت ظاهر شد و ران آن حضرت به ران من بود، به حیثیتی ران مبارک ثقیل شد که ترسیدم ران من خرد شود. بعد از کشف آن حال فرمود: بنویس «من المؤمنین غیر اولی الضرر»، یعنی مساوی هم نیستند مؤمنان غیر عاجز که نشینندگان از قتال. وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: و جهاد کنندگان در راه خدا و طلب امثال به او، بِأَمْوَالِهِمْ: به مالهای خود که تهیه اسباب قتال و تجهیز مقاتلان می‌کنند، وَ أَنْفُسِهِمْ: و به نفسهای خود که در معرض قتل می‌آورند، و چگونه برابر تواند بود کسی که راحت و تن‌پروری کند، با آنکه در معرکه جهاد جانبازی نماید.^۱

و یکی دیگر از علت‌هایی که می‌توان این برداشت را داشت که خداوند می‌خواهد در این آیه مجاهدین را بزرگداشت داشته باشد این است که در این آیه دوبار فرموده است که «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ» این تکرار دلیل بر اهمیت فعل و کار این افراد دارد که خداوند بیان فرموده است.

۱. تفسیر اثنا عشری، ج ۲، ص: ۵۴۵.



این آیه به این نکته‌ی روان شناختی اشاره دارد که اگر افرادی در جهاد سستی کردند، آنان را به طور کامل طرد نکنید، بلکه به آنان نیز وعده‌ی نیکو (در مرتبه‌ی پایین‌تر) بدهید تا تشویق شوند و تلاش بیش‌تری کنند، ولی در همان حال اشکال کار آنان و برتری دیگران را تذکر دهید.

در آیه مجاهدان و فضایل آنان تکرار شده است، تا اولاً مردم بیش‌تر به جهاد تشویق شوند و ثانیاً بدانند که در جامعه‌ی اسلامی مجاهد بودن یک ارزش است و خدا مجاهدان را برتری داده است و آنان نیز در جامعه امتیازات ویژه‌ای برای رزمندگان قرار دهند.^۱

۳. دستور به جهاد

سومین قسم و شاید بتوان گفت مهم‌ترین قسمی که در قرآن آمده است که خداوند به نحوه‌های مختلف امر کرده است به جهاد و مردم را تشویق به این کار کرده است در آیات متعدد قرآن خداوند در ۱۰ آیه مردم را امر کرده است به جهاد و قتال که در اینجا به اختصار به یک نمونه از این آیات اشاره خواهیم کرد:

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا^۲

۱. تفسیر قرآن مهر، ج ۴، ص ۲۵۹.

۲. نساء: ۷۴.



باید کسانی که زندگی زودگذر دنیا را با سرای جاویدان آخرت مبادله می‌کنند، در راه خدا بجنگند. و هر که در راه خدا بجنگد و کشته شود، یا بر دشمن پیروز گردد، پس پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

در این آیه خداوند به صراحت می‌فرماید که اگر بهشت را می‌خواهید حتماً باید اهل مجاهدت باشید و در راه خداوند جهاد کنید و خداوند این توفیق جهاد را به همه افراد نداده است.

جهاد در راه خدا کار هر کس نیست کار کسانی است که در راه خدا از جان گذشته و دنیا را داده و آخرت را در عوض گرفته‌اند و شخص مجاهد که به چنین مقامی فائز شده بمال و جاه دنیا اعتنا ندارد و فوز عظیم نمی‌داند جز اجر عظیم را که خداوند به مجاهدین وعده فرموده چه به شهادت برسند چه نرسند و ترك جهاد را نعمت نمی‌پندارد چنانچه منافقین پنداشتند بلکه نصب العین همت آن فقط دو چیز است که یا کشته شود و به فیض شهادت نائل گردد یا غالب شود و موفق به نصرت دین و اعلاء کلمه حق شده باشد نهایت آنکه اولاً و بالذات منظورش ترویج دین است ثانیاً و بالعرض شهادت و نیل به جنت دیگر فرار چه معنی دارد جز حرمان از مقصد و مقصود در کافی و غیره از حضرت صادق (ع) روایت فرموده که پیغمبر فرمود فوق هر خوبی، خوبی است تا به شهادت برسد و چون به این مقام رسید فوق آن خوبی نیست و از آن حضرت روایت شده است که کسی که در راه خدا کشته شود خداوند هیچ‌یک از گناهان او را به او ارائه نمی‌دهد و از پیغمبر (ص) روایت شده است که از برای شهید هفت خصلت است از جانب خداوند اول آنکه در اول قطره خون او تمام گناهانش آمرزیده می‌شود دوم آنکه سر او در دامن دو حورالعین قرار می‌گیرد که غبار از صورت او پاک می‌نمایند و به او مرحبا می‌گویند و او جواب می‌دهد سوم آنکه لباس بهشتی

به او پوشانده می‌شود چهارم خازنان بهشت مبادرت می‌نمایند در آوردن بوی خوشی برای او که به بینند از دست کدام یک می‌ستانند پنجم آنکه مقام و منزل او به او ارائه داده می‌شود ششم به رفیق او اجازه گردش در تمام بهشت داده می‌شود هفتم آنکه نظر می‌کند به وجه خدا که آن راحت هر پیغمبر و شهیدی است رزقنا الله تعالیان شاء الله.^۱

جهاد در روایات

می‌توان در یک نگاه کلی اقسام جهاد را با توجه به برخی از روایات این‌گونه بیان کرد و با توجه به گسترده بودن باب جهاد می‌توان اقسام دیگری هم برای جهاد در روایات نام برد ولی ما در اینجا به این اقسام بسنده می‌کنیم:

۱. فضیلت جهاد در روایات

۱. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَقْلِيَانِهِ وَهُوَ لِبَاسِ التَّقْوَى وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَجُنَّةُ الْوَثِيقَةِ فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثُوبَ الدُّلِّ وَشَمَلَهُ الْبَلَاءُ وَدُبِثَ بِالصَّغَارِ وَ

۱. تفسیر روان جاوید، ج ۲، ص ۸۲.

الْقَمَاءِ وَ ضُرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِسْهَابِ وَ أُدِيلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَ سِيَمِ
الْخُسْفِ وَ مُنِعَ النَّصْفُ^۱

پس از حمد خدا، جهاد دری است از درهای بهشت، که خداوند آن را به
روی اولیاء خاص خود گشوده، جهاد جامه پرهیزگاری، زره استوار، و سپر
مطمئن خداست. هر کس آن را از باب بی‌اعتنایی ترک کند خداوند بر او جامه
ذلت بپوشاند، و غرق بلا نماید، و به ذلت و خواری و پستی گرفتار آید، بر دلش
پرده‌های بی‌عقلی زده شود، و در برابر ضایع کردن جهاد حق از او گرفته شود، و
محکوم به ذلت و خواری، و محروم از انصاف گردد.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ جَبْرَيْلَ ع أَخْبَرَنِي بِأَمْرٍ قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي وَ فَرِحَ لَهُ قَلْبِي
فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ عَزَا عَزَاةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ أُمَّتِكَ فَمَا أَصَابَتْهُ قَطْرَةٌ مِنَ السَّمَاءِ أَوْ
صُدَّاعٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ شَهَادَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۲

پیامبر (ص) فرموده‌اند: جبریل (ع) چیزی را به من خبر داد که چشم من از
آن روشن و دلم شاد شد، گفت: ای محمد! هر کس از امت تو به جنگی در راه
خدا برود، هر قطره باران که بر او بریزد و هر دردسری که گرفتار آن شود، روز
قیامت گواه او خواهد بود

۳. وَ قَالَ ع جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي رَاغِبٌ فِي الْجِهَادِ
نَسِيْتُ قَالَ فَجَاهِدْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنَّكَ إِنْ تَقَاتَلْتَ كُنْتَ حَيًّا عِنْدَ اللَّهِ تُرْزَقُ وَ إِنْ مِتَّ
فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُكَ عَلَى اللَّهِ وَ إِنْ رَجَعْتَ خَرَجْتَ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا وُلِدْتَ فَقَالَ يَا
رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي وَ الْدِينِ كَبِيرِينَ يَزُوعَمَانِ أَنَّهُمَا يَأْتِسَانِ بِي وَ يَكْرَهَانِ خُرُوجِي فَقَالَ

۱. نهج البلاغه (للصبحی صالح) ، ص ۶۹.

۲. روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (ط - القديمة)، ج ۲ ، ص ۳۶۲.

رسول الله صَ أَمَّ مَعَ وَالِدَيْكَ فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لِأَنْسُهُمَا بِكَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً خَيْرٌ مِنْ جِهَادٍ سَنَةً^۱

فرمود: مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت یا رسول الله راستی من شیفته جهادم و توانا؟ فرمود: جهاد کن در راه خدا که اگر کشته شوی زنده‌ای نزد خدا روزی خور باشی و اگر بمیری در راه جهاد اجرت باخداست و اگر برگردی از گناهان بیرون شوی چنانچه زاده شده‌ای، گفت یا رسول الله مرا پدر و مادر پیری است که پندارند با من همدم‌اند و بیرون شدن مرا بد دارند، پس رسول خدا (ص) فرمود: با والدینت باش که بدان که جانم به دست او است انس يك روز و شب آن‌ها با تو بهتر است از جهاد يك سال.

۲. جهاد، عامل اصلاح و سعادت‌مندی جامعه

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ وَ لَا يَقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ وَ السُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ^۲

جدم رسول خدا (ص) گفت: خیر و خوبی با شمشیر و در سایه شمشیر به دست می‌آید. مردم جز با شمشیر راست نمی‌شوند. شمشیر کلید بهشت و دوزخ است.

۲. قُلْتُ فَالْجِهَادُ قَالَ الْجِهَادُ أَفْضَلُ الْأَشْيَاءِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ فِي وَقْتِ الْجِهَادِ وَ قَالَ وَ لَا جِهَادَ إِلَّا مَعَ الْإِمَامِ^۱

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۱، ص ۸۱.

۲. گزیده کافی، ج ۴، ص ۲۰۱.

عرض کردم: جهاد چه طور است؟ حضرت فرمودند: پس از فرایض جهاد در وقتش افضل اشیاء است و باید توجه داشت که جهاد مشروع نیست مگر با دستور امام علیه السلام

۳. اقسام جهاد در روایات

۱. جهاد با مال و نفس و جان

اللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالسِّيَلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
از خدا بترسید و با مال و جان و زبان خود در راه خدا مجاهدت نمایید.
۲. جهاد با دل

جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَيْدِيكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا بِأَلْسِنَتِكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا بِقُلُوبِكُمْ^۲

در راه خدا با دست‌ها (و جوارحتان) جهاد و مقابله کنید و اگر نتوانستید با زبانتان و اگر نتوانستید (لاقل) بادل‌هایتان مجاهده نمایید (نسبت به دشمن احساس دشمنی و انزجار نمایید).

۳. جهاد امر به معروف و نهی از منکر

عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، قَالَ: خَطَبَنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دَارِهِ... وَ الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ الصَّدَقِ فِي الْمَوَاطِنِ، وَ سَنَانِ الْفَاسِقِينَ^۳
جهاد چهار شعبه دارد:

۱. کامل الزیارات، النص، ص ۳۳۵.

۲. مستدرک، ج ۱۱، ص ۱۶.

۳. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص ۱۳۲.

۱- امر به معروف ۲- نهی از منکر ۳- راست گوئی در هر حال ۴- دشمنی با بدکاران.

فتاوا و بیانات برخی از مراجع تقلید

حضرت آیت الله العظمی سید محمد کاظم طباطبائی

پوشیده نیست که دول اروپا بخصوص انگلیس و روس و فرانسه، همیشه از قدیم الایام بر ممالک اسلامیة تعدی و تجاوز می نموده چنانچه اکثر ممالک اسلام را غصب نموده اند و از این تعدیات به جز محو دین العیاذ بالله مقصدی ندارند. تا در این اوقات مقاصد خود را ظاهر نموده بر ممالک دولت علیه عثمانیه (اعزّ الله بنصرها الاسلام) هجوم نموده و نزدیک است دست تعدی دراز و بر حرمین شریفین و مشاهد ائمه طاهرین (علیهم السلام) تهاجم و اوطان اسلامیان و نفوس و اعراض و اموال آنها تغلب نمایند. پس واجب است بر عشایر قاطنین ثغور و عموم مسلمین متمکنین اگر در حدود من به الکفایه نباشد، حفظ حدود خود و دفاع از بیضه اسلام مقدار قدرت خود نمایند و الله هو الناصر و المعین و المؤید للمسلمین^۱

۱. سپهر، ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۲۹۵.

نکته حائز اهمیت در این فتوا، حمایت قاطع يك فقيه برجسته شیعی از دولت سنی عثمانی است که مرکزیت بلاد اسلامی را بر عهده دارد و از سوی بیگانگان موردتهاجم قرار گرفته است.

حضرت امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب

این ماده فساد که در قلب ممالک اسلامی با پشتیبانی دول بزرگ جایگزین شده است و ریشه‌های فسادش هر روزی ممالک اسلامی را تهدید می‌کند، باید با همت ممالک اسلامی و ملل بزرگ اسلام ریشه‌کن شود. اسرائیل قیام مسلحانه بر ضد ممالک اسلامی نموده است و بر دول و ملل اسلام قلع و قمع آن لازم است، کمک به اسرائیل چه فروش اسلحه و مواد منفجره و چه فروش نفت حرام و مخالفت با اسلام است، رابطه با اسرائیل و عمال آنچه رابطه تجاری و چه رابطه سیاسی حرام و مخالفت با اسلام است، باید مسلمین از استعمال امتعه اسرائیل خودداری کنند. از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین را خواستار است. «والسلام علی من اتبع الهدی»^۱.

دروود بر اهالی قم! درود بر خانم‌ها و بانوان ارزنده قم! شما خانم‌ها، هم جهاد کردید در راه نهضت و پیروزی ما و هم جهاد مالی کردید. شما در عرض سربازان اسلام و همدوش با بانوان صدر اسلام هستید. همان‌طور که بانوان صدر اسلام به اسلام کمک می‌کردند و در نهضت‌ها و در جنگ‌های اسلام کمک‌کار بودند، شما خانم‌ها، خانم‌های همه ایران- و خصوص خانم‌های قم-



در این نهضت سهیم هستید و در مبارزات ما علیه استبداد و استعمار همدوش با مردها کمک کردید.^۱

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای حفظه الله

منتها یک وقت مثلاً فرض کنید قضیه‌ی غزه پیش می‌آید، یک مشت جوان دانشجوی می‌گویند این فلان شده‌ها، این صهیونیست‌های خبیث سر بچه‌های غزه دارند بمب می‌ریزند، فلان می‌کنند؛ برویم پدرشان را دریاوریم؛ راه می‌افتند، می‌روند فرودگاه خب، این احساسات، احساسات مقدس و پاکی است. امثال من که یک کنار نشستیم و داریم نگاه می‌کنیم، آدم می‌خواهد جانش را فدای یک چنین احساساتی بکند؛ این واقعاً ارزش دارد. اینکه امام فرمودند من دست و بازوی بسیجی‌ها را می‌بوسم، جایش همین جاست. آدم وقتی می‌بیند که یک جوانی اینجا توی خانه، در گرمای تابستان کولر و یخچال دارد، در سرمای زمستان وسیله‌ی گرمائی دارد، دانشگاه می‌رود، درس می‌خواهد، موفقیت دارد، بعد یکهو مسئله‌ی غزه می‌خواهد او را به حالت انفجار برساند، می‌گوید می‌خواهم بروم آنجا؛ خب، این احساس، احساس باارزشی است؛ اما رفتن، غلط است. احساس، خوب است؛ اما این احساس نباید موجب شود که ما حالا راه بیفتیم برویم غزه. رفتن به غزه، آن وقت نه ممکن بود، نه جایز بود؛ اگر ممکن هم بود، جایز نبود.^۲

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۳۹.

۲. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۴، صفحه: ۲۳.

ارکان جهاد

یقیناً جهاد دارای ارکانی است که می‌توان با توجه به بیانات مقام معظم رهبری آن‌ها را پیدا و بررسی کرد:

یکی از خصوصیات این تحرک که اسمش جهاد است، این است که انسان بداند این در مقابل دشمن است؛ یعنی بداند در مقابل یک حرکت خصمانه و غرض‌آلودی است که دارد انجام می‌گیرد. حرکتی که در مقابل یک چنین جهت‌گیری خصمانه وجود دارد، یکی از شرایط اصلی جهاد است. جهت دومی که در مفهوم جهاد حتماً بایستی ملاحظه بشود، استمرار و همه‌جانبگی است، هوشمندانه بودن است، مخلصانه بودن است. این جور تحرکی اسمش جهاد است.^۱

مسئله‌ی جهاد اسلام را هم نفهمیدن و بد معرفی کردن، یک بی‌انصافی دیگر است. جهاد اسلام برای تحمیل عقیده نیست؛ برای مبارزه‌ی با کسانی است که انسان‌ها را به بردگی می‌کشند. جهاد اسلام جنگ با ملت‌ها نیست؛ بلکه جنگ با قدرت‌های ستمگر و ظالم است.^۲

۱. استمرار

اولین رکنی که برای مجاهدت می‌توان نام برد استمرار است و آن به این معنی که یک حرکتی باشد که همیشگی باشد و قطع نشود و شاید منظور در اینجا این باشد که یک فرد همیشه و در همه احوالات خودش را در عرصه‌های

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۳، صفحه: ۲۸.

۲. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۸، صفحه: ۲۲.



جهاد ببیند و از این کار خسته نشود و تعطیلی و مرخصی برای کارهای خود هیچ وقت نبیند همان طور خداوند متعال هم به این امر اشاره دارند و در قرآن می فرمایند: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ»^۱ پس هنگامی که [از کار بسیار مهم تبلیغ] فراغت می یابی، به عبادت و دعا بکوش.

ظاهر آیه به این امر اشاره دارد که بعد از تبلیغ بلافاصله و بدون فوت وقت به عبادت و دعا مشغول باش ولی شاید بتوان همان طور که برخی از تفاسیر هم فرموده اند برداشت دیگر از این آیه شریفه داشت و آن هم این است «هرگز بیکار نمان، تلاش و کوشش را کنار مگذار، پیوسته مشغول مجاهده باش و پایان مهمی را آغاز مهم دیگر قرار ده.»^۲ با این بیان به خوبی معلوم می گردد که این آیه هم ما را به دنبال جهاد در راه خداوند می فرستد مقام معظم رهبری درباره خصوصیات حضرت امام راحل این گونه بیان می کنند «در راه خدا اهل مجاهدت بود، آرام نمی نشست، دائم در حال مجاهدت بود؛ از يك کار بزرگ که فراغت پیدا می کرد، چشم به يك کار بزرگ دیگری می دوخت و آن را دنبال می کرد؛ اهل مجاهدت فی سبیل الله بود؛ این ها عوامل جاذبه ای امام است. این خصوصیات در امام مجتمع شده بود؛ هرکسی با این خصوصیات باشد، دل ها به سمت او جذب می شود؛ این ها همان عمل صالحی است»^۳

۱. شرح: ۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، برگزیده تفسیر نمونه، ج

۳. خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۴۱، صفحه: ۱۷.

۲. مضاعف بودن

یکی دیگر از ویژگی‌های جهاد و مجاهدت در راه خداوند مضاعف بودن است به این معنی که دو برابر کار را انجام دادن و زیاد کردن کارها در هر زمانی شاید هم به این معنی باشد که کاری که انجام می‌دهیم ارزش دو برابری دارد به این بیان که جایی شما تلاش می‌کنید که هیچ‌کسی غیر از شما این کار را انجام نمی‌دهد و یا اگر این فعالیت و عمل نبود یک حرکت وسیعی اتاق نمی‌افتاد به همین دلیل است که تعبیر می‌کنند به مضاعف بودن مثلاً حرکت و عملی که در صدر اسلام اتفاق افتاده است که مجاهدت‌های رسول گرامی اسلام و یاران ایشان جزو همین دسته هستند که اگر آن مجاهدت‌ها نبود امروز این اسلام به دست ما نمی‌رسید و نتیجه آن مجاهدت‌ها در آن زمان اسلام امروزی ما می‌باشد. مقام معظم رهبری در مورد مضاعف بودن می‌فرمایند «این مضاعف فقط به معنای دو برابر نیست. اگر همت کنید، بکنید ده برابر، جا دارد. آنچه که خیلی مهم است، ظرفیت‌های موجود در جامعه است. ما در همه‌ی زمینه‌ها مثل یک معدن استخراج نشده یا نیمه استخراج شده هستیم. اهل فن و متخصصین و کارشناسان در همه‌ی زمینه‌ها - مثل زمینه‌های اقتصادی، زمینه‌های فنی، زمینه‌های علمی - به ما می‌گویند ظرفیت‌های کشور، ظرفیت‌های بی‌ظنیری است.»^۱

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۳، صفحه: ۶



۳. در مقابل دشمن

وقتی به یک عملی گفته می‌شود جهاد که این رکن در مقابل دشمن را هم داشته باشد. باید به این نکته توجه داشت مجاهدت در مقابل دشمن ملاک می‌باشد به‌طور کلی هر حرکتی که در مقابل دشمنان باشد خداوند آن عمل را مجاهدت در راه خودش به حساب می‌آورد.

شاید یکی از مهم‌ترین کارهایی که امروزه ما باید آن را انجام بدهیم این باشد که در مرحله اول دشمن شناس باشیم تا بتوانیم در مقابل آن به مجاهدت دست بزنیم متأسفانه در این ایام خیلی از افراد از این مطلب غافل شده‌اند که دشمن دارند و اصلاً دشمن را فراموش کرده‌اند امیرالمؤمنین در این باره می‌فرمایند «الإمامُ علی علیه السلام : مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أُنْبَهَتْهُ الْمَكَايِدُ. ۱ امام علی علیه السلام: هر که از دشمن خود غافل شود، دسیسه‌ها او را به خود آورد.» با این بیان نباید هیچ وقت از دشمن خود غافل باشیم و همیشه باید توجه به دشمن داشته باشیم و همه حرکت‌های خودمان را در مقابله با دشمن قرار دهیم. مقام معظم رهبری در مورد دشمن شناسی می‌فرماید: دشمن را باید شناخت. دشمن شناسی یکی از مهم‌ترین کارهاست. امروز دشمن بزرگ دنیای اسلام، امریکا و صهیونیسم هستند؛ شیطان‌های بزرگ این‌ها هستند. از همه‌ی شیطان‌ها بدتر و نحس‌تر و خطرناک‌تر، امریکا و صهیونیسم‌اند، که امروز دستشان به‌طور کامل

و واضح در دست هم است. هیچ وقت مثل امروز اینها با همدیگر رفیق و همراه نبوده‌اند! دشمن اصلی اینها نیست.^۱

مقام معظم رهبری عامل عقب افتادن از عرصه مجاهدت و شکست در مقابل دشمن را این گونه بیان می‌کنند « در صحنه‌ی نبرد سیاسی و نبرد اقتصادی، عیناً مثل صحنه‌ی نبرد نظامی، اگر جبهه‌ای که احساس پیروزی می‌کند، به خود مغرور بشود، راه پیروزی جلوی او بسته خواهد شد. مغرور شدن به پیروزی، نداشتن نقشه، نداشتن ابتکار برای تداوم پیروزی‌ها قطعاً موجب عقب ماندن در مقابل دشمن و موجب پیشروی دشمن خواهد شد. اگر مغرور بشویم، اگر به بی‌عملی و بی‌ابتکاری دچار بشویم، ناکام خواهیم ماند. باید تلاش را، مجاهدت را، ابتکار عمل را، استفاده‌ی از امکانات را به نحو اکمل ادامه داد. ما در نیمه‌ی راهیم، در اوایل راهیم، و باید برسیم به آن قله‌ای که مورد نظر انقلاب اسلامی است.»^۲

۴. مبارزه

یکی دیگر از ارکان جهاد مبارزه می‌باشد و خاصیت مبارزه هم این است که در مقابل دشمن باید باشد و غفلت از مبارزه می‌تواند دشمن را بر ما سلطه دهد و برای مبارزه کردن هم بنا بر نقل بیانات مقام معظم رهبری ما یک نیرویی از درون می‌خواهیم و آن نیروی درونی هم ایمان به خداوند می‌باشد به بیان دیگر فردی می‌تواند به مبارزه با دشمن و جهاد در راه خدا اقدام کند که ایمان قوی به خدا داشته باشد و بنا بر گفته روحانی شهید عبدالله میثمی توان ما به میزان

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، توهم سلطه، صفحه: ۴۰.
 ۲. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۴۰، صفحه: ۳۰.



امکانات در دست ما نیست توان ما به میزان اتصال ما به خداست. یعنی هر مقدار که به خداوند و ایمان به خدا داشته باشیم می‌توانیم در راه خداوند به مجاهدت پردازیم.

مقام معظم رهبری در مورد مبارزه با دشمنان می‌فرماید: خیلی کسان کار می‌کنند که سازنده نیست. بعضی هم کارهایی می‌کنند که مخرب است. همه باید تلاش نمایند کار سازنده بکنند. کار سازنده، مبارزه با دشمن است. اگر کسی برای علم و برای اداره‌ی کشور تلاش کند، با دشمن مبارزه کرده است. اگر کسی برای افزایش ثروت ملی تلاش کند، با دشمن این ملت و این کشور مبارزه کرده است؛ چون دشمن نمی‌خواهد این کشور به خوبی اداره شود و امور مردم به سهولت بچرخد. دشمن می‌خواهد مشکل درست کند. باید با اداره‌ی صحیح و کار سازنده و صحیح و منطقی، با دشمن مقابله کرد.^۱

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۱۸، صفحه: ۱.

اهمیت جهاد

یکی از فصولی که می‌توان برای جهاد در نظر گرفت اهمیت جهاد می‌باشد که در این بخش به تبیین این قضیه از چهار منظر قرآن، روایات، حضرت امام و مقام معظم رهبری به اهمیت جهاد می‌پردازیم که نظریه دین درباره جهاد چه چیزی می‌باشد.

از منظر قرآن

شاید بتوان یکی از آیاتی که به اهمیت جهاد پرداخته است و خداوند متعال در این آیه مردم را به جهاد فراخوانده باشد این آیه است «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱ کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آن‌ها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است.

خداوند در این آیه کسانی را که ایمان آورده‌اند این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهند که اگر می‌خواهید مورد رحمت پروردگار قرار بگیرید سه عمل را باید انجام دهید و در واقع رحمت خداوند شامل حال سه دسته می‌گردد یکی از آن اعمال جهاد در راه خداوند می‌باشد.

در اینکه آیه سه عنوان ذکر شده یعنی ایمان و هجرت و جهاد که از حیث اجتماع و انفراد باهم تفاوت دارند، ایمان اگرچه هجرت و جهاد با او نباشد موجب سعادت و نجات می‌شود ولی هجرت و جهاد بدون ایمان موجب



سعادت و رستگاری نیست چون ایمان شرط صحت جمیع عبادات است و هجرت و جهاد نیز مشروط به یکدیگر نیست و هر يك بجای خود عبادت بزرگی است ولی ممکن است هجرت باشد ولی جهاد نباشد مانند کسانی که موظف به هجرت بوده‌اند ولی مکلف به جهاد نبوده‌اند، یا جهاد باشد ولی هجرت نباشد مانند مجاهدینی که مهاجر نبوده‌اند، و بالجمله مفاد آیه این است که مؤمنین و مهاجرین و مجاهدین به رحمت خدا امیدوارند و کلمه «الذین امنوا» شامل همه مؤمنین می‌شود از مهاجرین و انصار که در زمان نبی صلی الله علیه و آله و سلم بوده و از آن‌ها به اصحاب تعبیر می‌کنند و از تابعین که زمان پیغمبر را درک نکرد، ولی در زمان ائمه بوده‌اند و همچنین مؤمنینی که در دوره غیبت تا روز قیامت می‌باشند.^۱

از منظر روایات

عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ لَا أُخْرِكَ بِأَصْلِ الْإِسْلَامِ وَفَرَعِهِ وَذُرْوَتِهِ وَسَنَامِهِ قُلْتُ بَلَى قَالَ أَصْلُهُ الصَّلَاةُ وَفَرَعُهُ الزَّكَاةُ وَذُرْوَتُهُ وَسَنَامُهُ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.^۲

ابو عبد الله صادق (ع) گفت: آیا از ریشه اسلام و شاخه اسلام و قلّه بلند اسلام باخبرت سازم؟ من گفتم: آری. ابو عبد الله گفت: ریشه اسلام نماز است. و شاخه اسلام زکات است و قلّه بلند اسلام جهاد در راه خداست.

۱. اطیب البیان (سید عبدالحسین طیب)، ج ۲، ص ۴۲۱.

۲. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۴، ص ۶۲.

در این روایت تقریباً تمام اسلام و اهمیت اسلام را به جهاد واگذار کرده است و می‌خواهد این نکته را در ما نهادینه کند که همه عبادات اگر در یک قله‌ای باشند در نوک این قله جهاد قرار دارد که از بقیه بالاتر می‌باشد و اهمیت آن از بقیه بالاتر می‌باشد.

از منظر حضرت امام خمینی (ره)

دنیا يك جزء بسیار کمی است از عالم، دنیا یعنی آن چیز خیلی پست. عالم مُرکبی است از ماورای این طبیعت و این طبیعت؛ این طبیعت در آخر مرتبه وجود واقع شده است، پایین‌تر از همه مراتب است. اگر انسان با جهاد برای خدا از این دنیا برود یعنی از عالم پست به عالم بالا می‌رود، به عالمی می‌رود که فوق این عوالم است و اگر شیطانی باشد، به اسفل اسفلین می‌رود یعنی از این دنیا پست‌تر، و در جهنم چاه عمیق است، در چاه عمیق فرو می‌رود. این‌هایی که لشکر شیطان هستند و تبع شیطان هستند، دارند پله‌پله طرف اسفل السافلین می‌روند. آن‌هایی که لشکر خدا هستند و برای خداست، دارند طرف بالا می‌روند، هر چه عمل بکنند، عمل آن‌ها، آن‌ها را به بالا می‌برد و هر چه عمل این طرف بکند و شیطانی عمل بکند، عمل آن‌ها، آن‌ها را به پایین می‌برد.^۱



از منظر مقام معظم رهبری

دو تفسیر غلط و یک تفسیر صحیح از جهاد

درباره‌ی جهاد دو تفسیر غلط وجود دارد و یک تفسیر درست. آن دو تفسیر غلط، دونقطه‌ی مقابل هم است؛ یکی از یک‌جهت، انحرافی است؛ یکی از جهت مقابل آن، انحرافی است. می‌گویند جهاد بر طبق لغت، یعنی کوشش؛ و جهاد در راه خدا، یعنی مطلق کوشش در راه خدا. برای اینکه این معنا را درست در خارج پیاده کنند، می‌گویند هر کاری که شما برای خدا می‌کنید، یک کوششی است و یک جهاد است. مثلاً فرض بفرمایید که شما اول صبح، ساعت ۸ از منزل، از زیر کرسی، از کنار بخاری گرم، از توی اتاق راحت، زحمت می‌کشید، به خودتان رنج می‌دهید، بیرون می‌آیید؛ دست می‌کنید در جیب، یک زحمت است؛ سویچ ماشین را از جیب در می‌آورید، یک زحمت است؛ در این ماشین هشتاد نود هزار تومانی را باز می‌کنید، یک زحمت است؛ سوار ماشین می‌شوید، نمی‌دانم گاز می‌دهید، دنده عوض می‌کنید، بالاخره ماشین را راه می‌اندازید و در خیابان‌های شلوغ تهران با این ناراحتی‌ها! حرکت می‌کنید و می‌آید تا بازار، این‌ها همه‌اش زحمت است؛ خدا اجرتان بدهد! بعد تشریف می‌آورید در حجره یا توی اداره یا فلان گوشه‌ی دیگر می‌نشینید، این شاگرد می‌آید، آن منشی می‌آید، با این یک کلمه حرف می‌زنید، با آن یک کلمه حرف می‌زنید آفتاب تا آفتاب؛ از طلوع تا غروب زحمت زیادی می‌کشید تا هزار تومان گیرتان بیاید. خب، زحمت می‌کشید؛ منتها چون این زحمت برای این است که رزق حلالی را تحصیل کرده باشید و پرتقال و موز و چلوکباب و بوقلمون! و دیگر چیزها را

برای آفازاده‌ها بخريد و به آن‌ها بدهيد بخورند، اين كار شما جهادی است در راه خدا؛ كوشش است ديگر. كوشش نيست؟ زحمت نيست؟ تلاش نيست؟ خب، تلاش است ديگر؛ تلاش معاش. لذاست كه ميگويند رزق حلال تحصيل كردن، يك نوع جهاد است. اسم اين را مي‌گذارند جهاد. از اينجا شما شروع كنيد تا بزرگ‌ترين كارها و كوچك‌ترين كارها كه اين‌ها همه‌اش يك تلاشی است؛ اگر برای خدا بود، جهاد است.

ميگويند: «آقا! جهادی كه در اسلام هست: (وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ) _ يعنی اينكه تلاش كنيد در راه خدا، آن جوری كه لازم است تلاش كرد _ اين است؛ تلاش كنيد برای كسب، تلاش كنيد برای علم، تلاش كنيد برای زندگي، تلاش كنيد برای دیدار دوستان. هر زحمتی كه بكشيد، جهاد فی سبيل الله است. محصلی كه درس می‌خواند و زحمت می‌كشد و آن فرمول‌های مشكل را حل می‌كند، يا آن مسئله‌ی فقهی يا نحوی يا اصولی مشكل را حل می‌كند، اگر اين كار او برای خدا است يعنی برای خير مسلمان‌ها است و با توجه به خدا است، اين يك جهاد است.» و از اين قبيل، و از اين قبيل، و از اين قبيل. اين يك تفسير از جهاد است در نظر يك عده. لذاست كه می‌بينيد خودشان را از مجاهدین می‌دانند ديگر؛ ميگويند: «آقا! ما هم جهاد می‌كنيم.» وقتی كه با او حرف بزنی، برای اينكه تعجب نكنی از او كه جهاد می‌كند، به خودت هم تمسك می‌كند كه: «آقا! شما هم جهاد می‌كنی. همين كه در دكان آمدی و در را باز كردی و نشستی، جهاد است!» اين تفسير، تفسير غلطی است و خیلی هم غلط است.

ما منكر نيستيم كه لغت «جهاد» به معنای مطلق كوشش است و از ماده‌ی «جهد» يا «جهد» است _ اين مسلم _ اما اگر چنانچه جهاد در قاموس اسلامی



و در فرهنگ اسلامی به این گل‌وگشادی بود، لزومی نداشت که اسم خاصی روی این بگذارند در مقابل سایر اسم‌هایی که در اسلام هست. خب، نماز هم يك جهادی است بنابراین؛ روزه گرفتن هم يك جهادی است بنابراین؛ به حج رفتن و زکات دادن و همه‌ی اعمال اسلامی يك جهادی است بنابراین؛ چرا يك اسم خاصی رویش بگذارند؟ چرا بیخودی بیایند يك واژه‌ی دیگری درست کنند؟ پس جهاد، مطلق کوشش نیست. جهاد یک چیزی است در مقابل نماز، در مقابل امر به معروف، در مقابل زکات، در مقابل حج، در مقابل صله‌ی رحم، در مقابل برّ به والدین، در مقابل راست گفتن، در مقابل کم نفروختن، در مقابل همه‌ی واجبات دیگر. جهاد يك واجبی است، يك فریضه‌ای است، يك واژه‌ای است در مقابل واژه‌های دیگر؛ این مسلّم است. پس در فرهنگ اسلامی _ یعنی قرآن و روایات _ دایره‌ی جهاد را به این وسعت گرفتن، خطای بزرگی است. خیلی بزرگ است این خطا. پس این یک تفسیر، که تفسیر غلطی است.

تفسیر غلط دیگر از جهاد؛ جهاد یعنی مبارزه‌ی مسلّحانه

تفسیر غلط دیگر، نقطه‌ی مقابل این است. میگویند جهاد در اصطلاح قرآن و حدیث یعنی جنگ با شمشیر در يك میدانی که دشمن آن طرف ایستاده باشد، تو این طرف ایستاده باشی، شمشیر را از غلاف بیرون بکشی و بزنی به دشمن، یا تیر و نیزه را او به تو بزند و تو به او بزنی؛ این می‌شود جهاد. این تعبیر هم درست نیست. درست است که جهاد در فقه اسلامی به این معنا استعمال شده _ که همان را هم ما ایراد داریم که چرا باید فقط به این معنا استعمال شود _ اما در قرآن، جهاد به این معنا نیست. بنده شواهد و قرائن نسبتاً زیادی دارم بر اینکه

جهاد در قرآن فقط به معنای جنگ مسلحانه‌ی در مقابل دشمن مشخص نیست. نه اینکه جهاد شامل این نمی‌شود؛ چرا، این، اعلی مرتبه‌ی جهاد است، نقطه‌ی عالی و اوج واژه‌ی جهاد است، اما نه اینکه همه‌ی جهاد باشد؛ نه، جهاد ممکن است شقوق و اشکال دیگری هم داشته باشد و دارد. بنابراین تفسیر دوم هم غلط است.

در اینجا یکی از شواهد را عرض می‌کنم برای کسانی که اهل تحقیق‌اند و دلشان می‌خواهد با استدلال به آیات قرآن مطالب را قبول کنند. در سوره‌ی براءت، آیه‌ی شریفه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ»؛ ای پیغمبر! با کفار و با منافقان جهاد کن. در فقه شیعه و به‌طور کلی در فقه اسلام مسلم است که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) با منافقان جنگ مسلحانه‌ی رویاروی نکرده و با آن‌ها در يك میدان قرار نگرفته و جهاد پیغمبر با آن‌ها به شکل دیگری انجام گرفته؛ درعین حال در این آیه، از مبارزه‌ی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) با این‌ها تعبیر به «جهاد» شده. بنابراین جهاد، با این دو تعبیر، غلط است.

تفسیر صحیح از جهاد؛ مبارزه‌ی با دشمن

آنچه به نظر ما تفسیر واقعی کلمه‌ی جهاد است، این است: جهاد عبارت است از درگیری با يك دشمن _ این دشمن، هرکه می‌خواهد باشد _ به یکی از اشکال و شقوق ممکن. به عبارت دیگر _ برای اینکه این تعریف، بامعنای لغوی جهاد هم تناسبی داشته باشد _ جهاد عبارت است از تلاش و کوشش در راه پیشبرد هدف؛ منتها آن تلاش و کوششی که با درگیری با دشمن همراه است. آن تلاشی که با درگیری با دشمن همراه نیست، اسمش جهاد نیست. یعنی اگر ما بخواهیم يك واژه‌ی کوچکی را، يك لغت بسیطی را در فارسی انتخاب کنیم که



جهاد قرآن و جهاد روایت را با آن بخواهیم تطبیق کنیم و این واجب را بفهمیم، باید کلمه‌ی «مبارزه» را بگوییم؛ مبارزه به این معنا. البته مبارزه در معنای اصلی لغوی اش به این معنا است که در میدان جنگ‌های رویاروی، یک نفر بیاید با یک نفر دیگر تن‌به‌تن بجنگد؛ این را می‌گفتند مبارزه. یک نفر می‌رود توی رختخواب گرمش، کنار بخاری می‌لمد، از روی فراغت فکر می‌کند که من درباره‌ی چه مسئله‌ای تحقیق کنم؛ ناگهان به یادش می‌آید که این مسئله هنوز حل نشده است که آیا هفت‌آسمان از جنس طلا است، یا از جنس نقره است، یا از جنسی دیگر است؛ بعد بنا می‌کند کتاب‌ها را گشتن، مطالعه کردن، چه کردن، تا این مسئله را تحقیق می‌کند و حل می‌کند. به این کار، جهاد نمی‌گویند؛ این اسمش مبارزه نیست. یا فرض بفرمایید یک نفر دانشمند محققى برود بنشیند درباره‌ی یک مسئله‌ی حقوقی خشک غیر لازم، یا حتی لازم _ مثل یک مسئله‌ای که در شیمی است، یک مسئله‌ای که در فیزیک است، یک مسئله‌ای که در ریاضی است، یک مسئله‌ای که مورداستفاده و انتفاع مردم است _ زحمت بکشد و تحقیق کند، به کار او جهاد نمی‌گویند؛ کما اینکه در فارسی هم به آن، مبارزه نمی‌گویند. به «اینشتین» یک مبارز نمی‌گویند. به آن کسی که عالی‌ترین تحقیقات علمی را هم بکند، یک مبارز نمی‌گویند. چرا؟ برای خاطر اینکه این عمل، این تحقیق، این کشف، این کاری که به وسیله‌ی فکر یا به وسیله‌ی پول یا به وسیله‌ی دست انجام گرفته، در راه پیشبرد یک هدف فکری ایدئولوژیکی و در راه مقابله‌ی با

دشمن این فکر به کار نرفته. لذا به این کار، جهاد نمی‌گویند؛ کما اینکه در فارسی هم به آن مبارزه نمی‌گویند.^۱

انواع جهاد

جهاد اصغر:

جهاد و مقابله نظامی با دشمنان خدا جهاد اصغر نامیده می‌شود. این جهاد ویژگی‌های خاص خودش را دارد که در ذیل به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

- جهاد با دشمن برون است.
- جهاد با دشمن برونی است و زمان مشخصی دارد.
- در این نوع جهاد مبارزه جمعی است و ممکن است یکی از طرفین برای همیشه شکست بخورد و یا عقب‌نشینی کند.
- در جهاد اصغر دشمن خارجی ممکن است که نقاط ضعف و راه‌های نفوذ را نداند.
- در جهاد اصغر از نظر عُدّه و وسیله می‌توان قبل از جنگ آمادگی لازم را داشت و ابزار دفاعی را فراهم نمود.
- در جهاد اصغر، ضربات دشمن محسوس است.

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، هم‌زمان حسین علیه السلام، صفحه: ۱۰۱.



جهاد اکبر:

در روایتی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، این نوع از جهاد، «جهاد اکبر» نامیده شده است. پس از آن که رسول خدا صلوات الله علیه و آله به همراه اصحاب از جنگی بازمی گشتند، خطاب به یاران خود فرمودند:

«رَجَعْنَا مِنَ الْجِهَادِ الْأَصْغَرِ إِلَى الْجِهَادِ الْأَكْبَرِ. از جهاد اصغر به سوی جهاد اکبر بازگشتیم!»^۱. یعنی جهاد و مقابله نظامی با دشمنان خدا جهاد اصغر (کوچک تر) است و جهادی که حتی در زمان عاری از جنگ، همواره انسان با آن درگیر است - که همان جهاد نفس و مقابله با شیطان است - «جهاد اکبر» محسوب می شود.

جهاد اکبر یعنی جهاد با نفس. جهاد با نفس را فقط در يك محدوده‌ی شخصی نباید محصور کرد. البته مبارزه با شهوات و لذت طلبی و راحت طلبی و افزون طلبی و اخلاق ناشایسته در وجود آدمی، مبارزه با نفس است و مهم هم هست. یعنی آدمی با آن شیطان درونی خود باید دائم مبارزه کند و او را مهار بزند تا نتواند انسان را به کارهای زشت وادار کند. لکن جهاد با نفس، در محدوده‌ی عظیم اجتماعی هم معنا دارد. آن، این است که این روحيات پیروزی آفرین و احساسات و تفکراتی را که توانست آن امتحان را به آن شکل افتخارآمیز به پایان برسانند، در خودمان حفظ کنیم و خود را رها نکنیم. کسی گمان نکند که وقتی گفته می شود دوران بازسازی است، یعنی دیگر دوران حماسه و شور و انقلابی

۱. جامع الأخبار (الشعیری)، ص ۱۰۰.

گری تمام شد. هرگز چنین نیست. دشمن می خواهد این طور تبلیغ کند که دوران بعد از جنگ و دوران بازسازی، یعنی دورانی که دیگر شور و حماسه‌ی انقلاب در آن نیست. یعنی آن حماسه‌ها و ایمان جوشان و فداکاری‌ها و صلابت در مقابل دشمن، مخصوص دوران جنگ بود و حالا دیگر آن دوران تمام شد. حالا دیگر دوران این است که برگردیم به همان شکلی که مردم غافل بعضی از کشورها در آن شکل زندگی می‌کنند!

این است معنای دوران بازسازی؟ هرگز چنین نیست. کسانی که چنین تصور می‌کنند، در اشتباه‌اند. در يك جامعه‌ی اسلامی و انقلابی، روح انقلاب و ایمان همیشه زنده و کارساز است. روح انقلاب و روح شور و حماسه‌ی انقلابی، در دوران جنگ موجب پیروزی در جنگ است و در دوران سازندگی موجب پیروزی در مبارزه‌ی سازندگی است. سازندگی هم يك مبارزه است. آدم‌های کوتاه‌فکر گمان نکنند که دشمنان اسلام از دشمنی با نظام اسلامی و ملت مسلمان دست برداشته‌اند. آن‌ها این دشمنی را در شکل‌های مختلف، در شکل تبلیغات سوء که امروز دنیا را از تبلیغات علیه نظام اسلامی و مسلمین و اسلام پرکرده‌اند نشان می‌دهند. البته بحمد الله تبلیغاتشان بی اثر یا کم اثر است. آن‌ها کار خودشان را می‌کنند؛ و لو اثری نبخشد. آن‌ها به وسیله‌ی رشد دادن عناصر خائنی که به انقلاب و ملت و کشور پشت کردند و با دشمنان ساختند و مزدور دشمن شدند، با ما خصومت می‌کنند. این کارها را بعد از دوران جنگ هم، به همان اندازه که در دوران جنگ انجام دادند و بلکه بیشتر انجام می‌دهند. تلاش دشمنان برای منحرف کردن افکار و جوانان، رها کردن ایمان و تعصب‌های پرچوش اسلامی و مذهبی، که همیشه در همه‌ی مواقع بحرانی، نگهدار يك ملت و يك جامعه بوده



است، ادامه دارد. آن‌ها می‌خواهند تعصب دینی و اسلامی که اصل است و تعصب فرهنگ ملی که آن‌هم برخاسته از اسلام است نباشد.^۱

جهاد کبیر

در ادبیات دینی، سه نوع جهاد تعریف شده است: جهاد اصغر درباره جنگ نظامی، جهاد اکبر در جهت تعالی نفس و جهاد کبیر در حوزه فرهنگی و از جهاد کبیر در آیه ۵۲ سوره فرقان (فَالْتَطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا) نام برده شده است و به نظر می‌رسد با توجه به مکی بودن سوره فرقان، جهاد کبیر، بسته کام و جامعی از راهکارهای غیرنظامی مقابله با دشمنان است که جامعه اسلامی را در برابر هرگونه تهاجم و تسلط غیرنظامی، مصون می‌سازد؛ چراکه با عنایت به سیاق آیات مکی، عمومیت جهاد در آیه مدنظرشان هر نوع جهاد غیرنظامی می‌شود.

حقیقت جهاد کبیر را می‌توان با توجه به نکاتی که مفسران ذیل آیه ۹۱ سوره فرقان مطرح کرده‌اند، بدین گونه تعریف نمود «جهاد کبیر عبارت است از بذل جهد و طاقت و استفاده از همه ظرفیت‌ها در دفع کفار اعم از کافر به خدا، ص و ولایت»^۲

در تعبیرات رهبر انقلاب در مورد جهاد کبیر این‌گونه آمده است: [امروز] جنگ نظامی مطرح نیست؛ امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۱۴، صفحه: ۴۵.
۲. گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، ج ۳، ص ۱۴۵.

احتمال بسیار ضعیفی است لکن جهاد باقی است؛ جهاد یک چیز دیگر است. جهاد فقط به معنای قتال نیست، فقط به معنای جنگ نظامی نیست؛ جهاد یک معنای بسیار وسیع‌تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: وَ جِهْدُهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا؛ در سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان است؛ «به» یعنی به قرآن، «جِهْدُهُمْ بِهِ» یعنی به وسیله‌ی قرآن با آن‌ها جهاد کن؛ جِهَادًا كَبِيرًا. این آیه در مکه نازل شده. درست توجه کنند جوان‌های عزیز! در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمانها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آن‌ها می‌کردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه‌ی شریفه می‌گوید: وَ جِهْدُهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا. آن کار دیگر چیست؟ آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت [است]. فَلَا تُطِيعِ الْكٰفِرِيْنَ وَ جِهْدُهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيْرًا؛ از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. این تقسیم‌بندی غیر از تقسیم‌بندی جهاد اکبر و جهاد اصغر است: جهاد اکبر که از همه سخت‌تر است، جهاد با نفس است، همان چیزی است که هویت ما را، باطن ما را حفظ می‌کند؛ جهاد اصغر، مجاهدت با دشمن است، منتها در بین جهاد اصغر یک جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده که آن همین است. «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه‌ی با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان‌های مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد «جهاد کبیر».

این تبعیت نکردن آن قدر مهم است که خدای متعال پیغمبر خود را مکرر به آن توصیه می‌کند. آیه‌ی تکان‌دهنده‌ی اول سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * یٰۤاَیُّهَا النَّبِیُّ اَتَّقِ اللّٰهَ وَ لَا تُطِعِ الْکٰفِرِیْنَ؛ [می‌فرماید] «اَتَّقِ اللّٰهَ وَ لَا تُطِعِ الْکٰفِرِیْنَ» پیغمبر! تقوا داشته باش و از کافران تبعیت نکن؛ اِنَّ اللّٰهَ جَانِ عَلِیْمًا حَکِیْمًا، ما میدانیم مشکلات تو را، ما میدانیم فشارهایی که بر تو وارد می‌کنند تا تو را وادار به تبعیت کنند - تهدید می‌کنند، تطمیع می‌کنند - اما شما مراقب امرونی‌های الهی باش، اَتَّقِ اللّٰهَ، حواست جمع باشد. وَ لَا تُطِعِ الْکٰفِرِیْنَ؛ این اطاعت نکردن از کافرین، آن چیز بزرگ و مهمی است که خدای متعال با این لحن با پیغمبرش حرف می‌زند.

خب، اطاعت از کافرین نکن، پس چه کار کن؟ وَ اَتَّبِعْ مَا یُوحِی اِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ حَبِیْرًا. [می‌فرماید:] یٰۤاَیُّهَا النَّبِیُّ اَتَّقِ اللّٰهَ وَ لَا تُطِعِ الْکٰفِرِیْنَ وَ الْمُنْفِقِیْنَ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ عَلِیْمًا حَکِیْمًا * وَ اَتَّبِعْ مَا یُوحِی اِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ حَبِیْرًا؛ از آن‌ها تبعیت نکن؛ تو برنامه داری؛ تو برنامه‌ی کار داری، برنامه‌ی زندگی داری؛ وحی الهی تو را تنها نگذاشته است؛ قرآن در اختیار تو است، اسلام در اختیار تو است، برنامه‌ی اسلام در اختیار تو است؛ این راه را برو. ببینید اینها همه آیات اول سوره‌ی احزاب است؛ پشت سر هم؛ اول، اَتَّقِ اللّٰهَ وَ لَا تُطِعِ الْکٰفِرِیْنَ وَ الْمُنْفِقِیْنَ؛ بعد، وَ اَتَّبِعْ مَا یُوحِی اِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ؛

پشت سر [آن]، جواب این سؤال است که خب، خطر وجود دارد، فشار می‌آورند؛ وَ تَوَكَّلْ عَلَی اللّٰهِ وَ کَفِی بِاللّٰهِ وَکِیْلًا؛ در مقابل همه‌ی این فشارها به خدا تکیه کن؛ به خدا تکیه کن. توکل معنایش این نیست که کار را رها کنی

بنشینید تا خدا بیاید عوض شما کار را انجام بدهد؛ این نیست؛ توکل این است که شما راه بیفتید، عرق بریزید، تلاش کنید، آن وقت یقین داشته باشید که خدای متعال شما را کمک خواهد کرد؛ امروز مسئله‌ی جمهوری اسلامی این است.

مسئله‌ی جمهوری اسلامی این است که دشمن مستکبر، درصدد به‌زانو درآوردن انقلاب است؛ با چه چیزی؟ با نفوذ دادن فرهنگ خود، با فشار اقتصادی خود، با انواع و اقسام تلاش‌های سیاسی خود، با گستره‌ی عظیم تبلیغات خود، و با عوامل خائنی که در اختیارش هستند، درصدد تکان دادن فضای جمهوری اسلامی است تا آن را به تبعیت بکشانند. آنچه استکبار را از جمهوری اسلامی به شدت غضبناک می‌کند، مسلمان بودن مردم ایران نیست؛ آن، عبارت است از اینکه مردم به خاطر این مسلمان بودن، حاضر نیستند زیر بار استکبار بروند؛ حاضر نیستند تبعیت کنند؛ این است که دشمن را غضبناک می‌کند. سعی می‌کنند این را زیرپوشش‌هایی بیپوشانند اما واقعیت قضیه این است. مسئله‌ی هسته‌ای بهانه بود، حتی مسئله‌ی موشک‌ها - این قضیه‌ی موشک‌ها که راه انداخته‌اند، «موشک، موشک» که البته هیچ فایده‌ای هم ندارد و هیچ غلطی هم نمی‌توانند بکنند - بهانه است؛ مسئله‌ی حقوق بشر، مسائل گوناگون دیگر، همه بهانه است. مسئله، عدم تبعیت است.

اگر جمهوری اسلامی حاضر بود تبعیت استکبار را قبول بکند، با موشکش هم می‌ساختند، با انرژی هسته‌ای و انواع و اقسام چیزهایی که در این زمینه وجود دارد می‌ساختند و اسم حقوق بشر را هم اصلاً نمی‌آوردند. جمهوری اسلامی، با تعلیم الهی، حاضر نیست از دشمن مستکبر کافر تبعیت بکند، از جبهه‌ی کفر و استکبار تبعیت بکند؛ این است علت اصلی؛ همه‌ی تلاششان [برای] این است.

البته سعی می‌کنند این را به زبان نیاورند اما گاهی اظهاراتشان آن‌ها را لو می‌دهد. همین چند روز قبل از این، یک مسئول آمریکایی، اتهاماتی را که علیه جمهوری اسلامی هست ردیف کرد: موشک و چه و چه و «ایدئولوژی»! از دستشان در می‌رود؛ خودشان را لو می‌دهند. [این ایدئولوژی] یعنی تفکر؛ تفکر اسلامی که وادار می‌کند شما را که زیر بار دشمن کافر و جبهه‌ی کفر و استکبار نروید. این است که موجب دشمنی است، و همین است که موجب اقتدار شما است؛ همین است که موجب اقتدار شما است. این انگیزه است که ملت ایران را سرپا نگه‌داشته است؛ این انگیزه است که عزم راسخ را در ملت ایران نگه‌داشته است؛ ایستادگی. حفظ هویت انقلابی و اسلامی برای نظام جمهوری اسلامی و برای ملت ایران؛ این آن چیزی است که دشمن از آن به شدت شاکمی است؛ چاره‌ای هم ندارد. خیلی تلاش کردند بلکه بتوانند مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را به حیظه‌ی قدرت خودشان در بیاورند، [اما] نتوانستند و به توفیق الهی و به حول و قوه‌ی الهی نخواهند توانست.

شما پاسدار انقلابید، پاسدار انقلاب. البته همه‌ی ملت ایران پاسدار انقلاب‌اند یا باید باشند، اما شما سازمانی هستید که به این نام مفتخر و سربلند است: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. این جهاد کبیر را، شما باید سرلوحه‌ی کارتان قرار بدهید. امروز هم نسبت به سپاه، از همه بیشتر عصبانی هستند؛ در اسم‌هایی که می‌آورند، در فحاشی‌هایی که می‌کنند، در تهمت‌هایی که می‌زنند، از همه بیشتر، سپاه را آماج این بدگویی‌ها و این دروغ‌گویی‌ها قرار می‌دهند؛ علت این است که سپاه نشان داده که ایستاده است. این روحیه و این جهت‌گیری و این حالت را از دست ندهید.

جوان‌های عزیز! بچه‌های عزیز من! فردا مال شما است، آینده مال شما است؛ شما هستید که باید این تاریخ را با عزت‌ش محفوظ نگاه دارید؛ شما هستید که این بار مسئولیت را بردوش دارید؛ خرمشهرها در پیش است؛ نه در میدان جنگ نظامی، [بلکه] در یک میدانی که از جنگ نظامی سخت‌تر است. البته ویرانی‌های جنگ نظامی را ندارد؛ به‌عکس، آبادانی به دنبال دارد، اما سختی‌اش بیشتر است. اینکه ما گفتیم اقتصاد مقاومتی، یعنی بخش اقتصادی این سیاست بزرگ و اساسی، مقاومت اقتصادی است. اینکه گفتیم جوان‌های مؤمن و حزب‌اللهی و انقلابی کارهای فرهنگی خودجوش را رها نکنند و دنبال نکنند، و همه‌ی دستگاه‌های فرهنگی کشور را دعوت کردیم و می‌کنیم که در این جهت حرکت کنند، این، بخش فرهنگی این عدم تبعیت است، این جهاد بزرگ است، جهاد کبیر است. اینکه از همه‌ی استعداد‌های موجود کشور دعوت می‌کنیم که استعداد‌های خودشان را در خدمت پیشرفت این کشور به کار بیندازند و به صحنه بیاورند و به میدان بیاورند و از مسئولان دولتی و سایر مسئولان دعوت می‌کنیم که از این استعدادها استقبال کنند، این آن بخش فعال اجتماعی این جهاد کبیر است. این جهاد کبیر ابعادی دارد: جهدهم به جهادا کبیرا.

این به معنای قطع رابطه‌ی با دنیا نیست؛ بعضی‌ها برای اینکه این سیاست الهی را بگویند، به‌دروغ می‌گویند «انقلابیون می‌گویند با دنیا قطع رابطه کنید»؛ نه، ما قائل به قطع رابطه‌ی با دنیا نیستیم، قائل به حصار کشیدن دور کشور هم نیستیم؛ رفت‌وآمد بکنند، رابطه داشته باشند، مبادله بکنند، دادوستد بکنند، اما هویت و شخصیت اصلی خودشان را از یاد نبرند؛ این حرف ما است: وانتم الاعلون ان کُنتم مؤمنین؛ مثل نماینده‌ی نظام اسلامی حرکت بکنند، مثل نماینده‌ی نظام اسلامی سخن بگویند. با همه، با هر جا که مصلحت کشور



اقتضا می‌کند، قرارداد ببندید، اما مثل نماینده‌ی ایران اسلامی و نماینده‌ی اسلام پشت میز قرارداد بنشینید. همه هوشمندان حرکت کنند؛ این جهاد هوشمندی لازم دارد، این جهاد اخلاص لازم دارد. این جهاد مثل جهاد نظامی نیست که کسانی در آنجا بدرخشند و چه شهیدشان، چه زنده‌شان و چه جانبازشان مثل قهرمان نشان داده بشوند - که ماها افتخار می‌کنیم به این شهدا و این جانبازان و ایثارگران - این جهاد جهادی است که ممکن است کسی خیلی هم زحمت بکشد، اما چهره‌ی او را هیچ‌کس نشناسد؛ اخلاص لازم دارد این جهاد.

امروز، دشمن از اینکه بتواند به‌نظام اسلامی ضربه‌ی اساسی وارد کند ناامید است، چون می‌داند در داخل به‌قدر کافی انگیزه و ایمان و صدق و آمادگی وجود دارد؛ لذا ناامیدند از اینکه بتوانند ضربه‌ی اساسی وارد کنند، اما ناامید نیستند از اینکه بتوانند نفوذ کنند. ابزارهای نفوذ هم امروز زیاد است.

سعی دارند جوان ایرانی را به شکلی بار بیاورند که خودش را می‌پسندد. اگر جوان ایرانی به شکل آمریکا پسندد و استکبار پسندد رشد کرد، آمریکا دیگر برای پیاده کردن نقشه‌های خود در ایران خرجی و هزینه‌ای نخواهد داشت؛ این جوان خودش مثل نوکر بی‌حیره و مواجب برای آن‌ها کار خواهد کرد؛ می‌خواهند جوان ایرانی را این‌جوری بار بیاورند. چهارتا آدم بی‌هویت جوری حرف زدند و جوری عمل کردند که یک آمریکایی چند سال قبل آمد ایران و وقتی برگشت، گفت کسانی در ایران هستند که اسلحه دستشان است و منتظر دستور ما هستند که شلیک کنند! چهارتا آدم بی‌هویت را دیده بود، فریب خورده بود. مشکل بزرگ آمریکایی‌ها این است که کشور ما را نمی‌شناسند، مردم ما را نمی‌شناسند، نمی‌توانند هم بشناسند. مشکل استکبار این است که بیشتر به‌ظاهر نگاه می‌کند؛

به رنگ ولعاب ظاهری نگاه می‌کند، [اما] باطن را نمی‌تواند ببیند. اقتدارش هم اقتدار ظاهری و اقتدار بر جسم‌ها است؛ بر دل‌ها نمی‌تواند آن‌چنان‌که مایل است اقتدار پیدا کند. اشتباه کردند. اما از نفوذ کردن ناامید نیستند؛ می‌خواهند نفوذ کنند، می‌خواهند دل‌ها را تسخیر کنند، می‌خواهند ذهن‌ها را تغییر بدهند.

این‌یک وظیفه‌ی بزرگ بر دوش همه‌ی غمخواران ملت ایران و غمخواران کشور، از جمله شما جوان‌های عزیز پاسدار و سازمان بزرگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، قرار می‌دهد. کار شما فقط جنگیدن نیست؛ سپاه پاسداران، پاسدار انقلاب است. البته جنبه‌ی نظامی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مطلقاً نباید تضعیف بشود؛ همچنان که شایسته‌ی یک سازمان نظامی است، باید به بهترین وجه و در نوترین شکل و مبتکرانه‌ترین گونه‌ی کار ادامه داشته باشد؛ اما فقط این نیست. وظیفه‌ی تبیین، امروز بر دوش همه است؛ از جمله بر دوش شما. اینکه بنده روی تبیین این‌همه تکیه می‌کنم، برای خاطر این است که امروز این جهاد کبیر به میزان زیادی متوقف به تبیین است؛ تبیین، بیان کردن، روشنگری؛ امروز روشنگری لازم است. سعی کنید ذهن‌ها را با عمق‌یابی، به اعماق حقایق و مسائل برسانید. این دانشگاه شما می‌تواند کارهای بزرگی را در این زمینه انجام بدهد و می‌تواند تبیین را یکی از برنامه‌های اساسی خودش قرار بدهد؛ هم در بین مجموعه‌ی خودی، هم در قلمرو وسیع‌تری، تا آنجایی که امکاناتش اجازه بدهد.

شعارهای انقلاب را باید حفظ کرد؛ این یکی از هدف‌ها است. یکی از کارهای بزرگ و [یکی] از بخش‌های بزرگ این جهاد عظیم - جهاد بزرگ - عبارت است از حفظ شعارهای انقلاب. شعارها هدف‌ها را نشان می‌دهند، شعارها راه را به ما نشان می‌دهند، شعارها مثل علامت‌هایی هستند که در راه



می‌گذارند برای اینکه انسان راه را اشتباه نکند؛ الْيَمِينُ وَالْيَسَارُ مَصَلَّةٌ وَ الطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ؛ به چپ و راست نگلتند، راه مستقیم و صراط مستقیم را بروند؛ هنر این شعارها این است، نقشش این است. در مورد این شعارها و حقایق هم فقط به احساسات اکتفا نشود. من البتّه برای احساسات نقش زیادی قائلم، برای عواطف نقش زیادی قائلم، اما کافی نیست؛ لازم است اما کافی نیست. عمق، تعمق و ژرف‌نگری در همه‌ی این شعارها باید وجود داشته باشد. سعی کنید در مسائل تعمق کنید؛ وقتی عمق‌یابی کردید، این ایمان مستقر با هیچ نیرویی از شما جدا نخواهد شد. مشکل این‌هایی که می‌بینید یک روز تندتر از همه‌ی تندهایند و یک روز ۱۸۰ درجه به این طرف می‌غلتند، عمق نداشتن آن ایمان است. داشتیم ما؛ اوایل انقلاب بعضی‌ها بودند که آن‌چنان تند و آتشی بودند که انقلابی‌های اصلی و قدیمی و سابقه‌دار را هم قبول نداشتند و به آن‌ها هم ایراد می‌گرفتند اما سطحی بودند؛ این سطحی بودن بالای جانشان شد، از این طرف ۱۸۰ درجه غلتیدند؛ مماش‌شان عوض شد. عمق و ژرفا [داشته باشید]؛ بروید در اعماق فکر و اندیشه و از راهنمایی استاد‌های صالح در این راه استفاده کنید.^۱

الزامات جهاد کبیر:

برای آمادگی و ورود به این نبرد جدید دو شرط اساسی لازم است که عبارت‌اند از:

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۸، صفحه: ۱۹.



اولاً: شناخت دشمن و راهبردهای جدید او

و ثانیاً: افزودن بصیرت و آگاهی عمومی

الف) دشمن شناسی :

اگرچه ظاهر قضیه مشخص است که استکبار جهانی و در رأس آن دولت آمریکا که امام بزرگوار به حق او را شیطان بزرگ نامید با همه‌ی امکانات خود و ساز کار لازم و علی‌رغم ناکامی‌ها و شکست‌های پی‌درپی که در مصاف با انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی داشته است نه تنها مأیوس نگردیده بلکه خشمگینانه‌تر و غضبناک‌تر وارد مرحله دیگری از جنگ با انقلاب که فوق‌العاده خطرناک‌تر و پیچیده‌تر می‌باشد گردیده است و به طراحی و تهیه راهبرد برای شکست انقلاب اسلامی و در واقع پایان همیشگی این پدیده نوظهور وارد صحنه عملیات جدید گردیده است. و تمام عده و عده خود را به کار گرفته و صحنه جنگ و مبارزه را آن‌قدر توسعه داده است بطوریکه همه ابزارهای خود را در سطح جهانی، منطقه‌ای در غرب آسیا و هم در داخل کشور بکار گرفته است.

ب) بصیرت افزایی:

برای آمادگی و مبارزه در این جهاد کبیر بعد از شناخت دشمن موضوع بصیرت افزایی باید در سرلوحه برنامه‌های ما قرار گیرد. تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد ضرباتی که اسلام و مسلمین خورده‌اند ناشی از بی‌بصیرتی و عدم شناخت و درک و تشخیص میان حق و باطل به‌ویژه در میان توده‌ی مردم ناآگاه بوده است. انقلاب اسلامی نه انقلاب نخبگان و نه انقلاب نظامیان بود بلکه ثمره خیزش عظیم توده‌های آگاه بوده است. امام امت در سلسله درس‌های خود در حوزه نجف در موضوع ولایت‌فقیه به نخبگان و روحانیون توصیه می‌کردند تنها

وظیفه شما آگاه کردن توده‌های مردم از شرایط سیاسی- اجتماعی خود و توطئه‌های دشمنان قسم خورده ملت می‌باشد. در آن صورت ملت باید به آن حد از آگاهی رسیده که برای احقاق حق خود قیام نماید و بساط ظلم را برچیند و همین امر بود که باعث شد ملت یکپارچه و با بصیرت کامل و تحت زعامت رهبری امام امت و با دست‌خالی بر رژیم شاه پیروز گردید و ساختار قدرتمند آن را از قاعده هرم سست و یک‌باره آن را واژگون نمود و به‌جای آن نظام مقدس جمهوری اسلامی را تأسیس کرده و تا به امروز هم بر همه‌ی توطئه‌های دشمنان که هریک از این توطئه‌ها می‌توانست نظامی مستقر و مستحکم را نابود بکند غلبه کرده است.

عرصه‌های جهاد

عرصه‌های جهاد را می‌توان گوناگون و با توجه به معنی جهاد می‌توان عرصه‌های گوناگونی را برای آن در مدنظر داشت ولی با توجه به کلام مقام معظم رهبری که در انقلاب حکم قطب‌نما را دارند ما از بیانات ایشان کمک می‌گیریم و عرصه‌های جهاد را با توجه به کلمات ایشان بررسی می‌کنیم

۱) جهاد علمی:

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در بیانات خویش همواره بر جهاد علمی تأکید دارند از منظر ایشان « امروز کشور نیازمند یک جهاد علمی است . . . جهاد یک معنای خاصی دارد . معنای جهاد فقط تلاش نیست . در مفهوم اسلامی ، جهاد

عبارت است از آن تلاشی که در مقابل یک دشمن است ، در مقابل یک خصم است . هر تلاشی جهاد نیست . مجاهدت با نفس ، مجاهدت در مقابل شیطان ، جهاد در میدان نظامی ، مواجهه‌ی با یک دشمن است مواجهه‌ی با یک معارض است . امروز ما در زمینه‌ی علم نیاز داریم که اینجور تلاشی در کشور بکنیم احساس کنیم موانعی وجود دارد ، باید این موانع را برداریم دارد معارضه‌ هائی می‌شود ، باید این معارضه‌ها را در هم بشکنیم در زمینه‌ی عرضه‌ی امکانات علمی ، خستنهائی از سوی کسانی که صاحبان آن هستند - که کشورهای پیشرفته‌ی علمی است - وجود دارد ، باید در مقابل این خستنه‌ها از خودمان عزت و جوشندگی و فوران از درون نشان بدهیم . امروز دنیا علی‌رغم تظاهر به سخاوت علمی ، در نهایت خست علمی است . آن‌کسانی که برحسب عوامل گوناگونی توانستند در یک برهه‌ای پیشرفت علمی را صاحب و مالک بشوند و موتور پیشرفت را سوار بشوند و از همه‌ی بشر جلو بزنند - که همین کشورهای پیشرفته‌ی غربی هستند ، که تقریباً از دوره‌ی رنسانس به این طرف دست این‌ها افتاده یک روز هم‌دست ما بود - این‌ها انحصارگرند ، انحصارطلب‌اند این‌ها نمی‌خواهند دایره‌ی این دانش ، دایره‌ی این اقتدار توسعه پیدا کند با دانائی ملت‌ها مخالف‌اند بخصوص بعد از آنکه این دانش در دست آن‌ها وسیله‌ای شد برای سیاست . استعمار از علم پدید آمد . علم توانست آن‌ها را قوی کند ، مقتدر کند لذا راه افتادند اطراف دنیا ، استعمار به وجود آمد و الا ملت‌ها داشتند زندگی خودشان را می‌کردند . بریتانیا کجا ، اندونزی کجا ؟ این‌ها با ابزار علم رفتند آن مناطق را صاحب شدند . خوب ، وقتی که استعمار از علم زائیده شد و قدرت بین‌المللی و قدرت سیاسی متکی به علم شد ، این علم

را در اختیار دیگران نباید بگذارند والا این قدرت تهدید می‌شود. و تا امروز همین جور عمل کردند.

حالا یک ملتی اراده می‌کند و تصمیمی می‌گیرد که روی پای خود بایستد ، از استعداد خود استفاده کند ، خوشبختانه این زمینه‌ها هم به یک‌شکلی برای او فراهم است - ملت ما این‌جوری است - شاید بعضی از ملت‌های دیگر باشند که اگر چنانچه آن‌ها تصمیم می‌گرفتند در مسئله‌ی علم روی پای خودشان بایستند ، نمی‌توانستند چون نه آن پیشینه‌ی تاریخی را داشتند ، نه آن استعداد بومی و منطقه‌ای و ذاتی خودشان را داشتند . کشور ما بحمدالله این‌ها را دارد . انقلاب هم شد ، حرکت عظیمی هم انجام گرفت ، بیداری‌ای به وجود آمد ، احساس توانائی‌ای به وجود آمد ، یک حرکت مهمی شروع شد ، که خوب ، پیشرفته‌ای فراوانی هم داشته. ما باید قبول کنیم و اعتراف کنیم که این حرکت در آغاز خود است . ما اول راهیم.

دوستان اشاره کردند به برنامه‌ریزی سیصدساله . البته من اعتقادی به سیصد سال برنامه‌ریزی ندارم اما این فکر را ، این روحیه را می‌پسندم که احساس کنیم سی سال گذشته ، ما قدم اولیم ده قدم بخوایم برداریم ، می‌شود سیصد سال دیگر . باید بدانیم قدم‌های اولیم ، باید بدانیم می‌توانیم قدم‌های بلندتری را برداریم این احساس باید به وجود بیاید . و من اعتقاد این است که این احساس حتماً به وجود می‌آید کما اینکه این حرکت عظیم علمی ، این نوآوری علمی ، این تولید علم ، این پرداختن به مرزهای دانش ، به فکرمان نمی‌رسید که شدنی باشد خوب ، مطرح شد، گفته شد، دنبالگیری شد امروز شما ثمراتش را دارید



مشاهده می‌کنید. بنابراین می‌توانیم قدم‌های بلندتر را برداریم، می‌توانیم کارهای بزرگی را انجام دهیم.»^۱

درباره تبیین جهاد علمی نظر ایشان این می‌باشد که وقتی جهادی را جهاد علمی می‌نامند که در مقابله با حرکت دشمن باشد:

جهاد دانشگاهی مرکب از دو کلمه است دیگر: جهاد و دانشگاه؛ هم باید در آن جهاد باشد، هم باید متناسب با دانشگاه باشد. جهادی عمل کردن، مفهوم خاصی دارد. هر جور کاری، جهادی نیست.

جهاد با جهد و تلاش ازلحاظ ریشه یکی‌اند؛ یعنی در آن معنای جهد و کوشش وجود دارد؛ اما جهاد فقط این نیست؛ جهاد یعنی مبارزه؛ مبارزه در همین اصطلاح متعارف فارسی امروز ما. مبارزه انواع و اقسامی دارد: مبارزه علمی داریم، مبارزه مطبوعاتی داریم، مبارزه سیاسی داریم، مبارزه اقتصادی داریم، مبارزه نظامی داریم، مبارزه آشکار داریم، مبارزه پنهان داریم؛ اما يك نقطه‌ی مشترك در همه‌ی این‌ها وجود دارد و آن اینکه در مقابل يك خصم است؛ در مقابل يك مانع است. مبارزه با دوست معنی ندارد؛ مبارزه در مقابل يك دشمن است.

فرض کنید در دوران اختناق، کسی هر هفته مثلاً پنج‌تا کتاب می‌خواند؛ خیلی کار بود؛ اما لزوماً مبارزه نبود؛ جهد بود، جهاد نبود. اگر می‌خواست جهاد باشد، باید کتابی را می‌خواند که در حرکت او در مواجهه‌ی با رژیم طاغوت و رژیم اختناق، تأثیر داشت؛ آن وقت می‌شد جهاد. خاصیت جهاد این است.

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۳، صفحه: ۳۲.



دایره‌ی جهاد شما علم و فناوری است؛ یعنی شما اینجا از شمشیر و نیزه و ژ ۳ نمی‌خواهید استفاده کنید؛ از مغز و امکانات اندیشمندی درون انسان و فکر و قلم و چشم و این‌ها می‌خواهید استفاده کنید.

مجموعه، مجموعه‌ی علمی است؛ اما در چه جهتی باشد تا جهاد باشد؟ این مهم است. نگاه کنید ببینید برای کشور شما، برای انقلاب شما، برای اهدافی که این انقلاب ترسیم کرده، کدام دشمن عنود در کمین نشسته و شما باید با آن دشمن عنود مبارزه کنید؟ کارتان در آن صراط که شد، می‌شود جهاد.

بنابراین، اگر دنبال علمی بگردید که این علم، دشمنان آن اهداف را نه فقط ناراضی نمی‌کند، خرسند هم می‌کند، این جهاد نیست. فرض کنیم جهاد دانشگاهی یا فلان مؤسسه‌ی مربوط به جهاد دانشگاهی بگویند در سال فلان، صد یا پانصد مقاله از من در «ISI» منتشر شده؛ این، ملاک نیست. این مقاله چه بود؟ در چه جهت بود؟ به چه درد شما خورد؟ آن کسانی که با آرمان‌های شما دشمن‌اند، نسبت به این مقاله چه موضعی داشتند؟ آیا آن‌ها احساس خطر کردند؟ البته سیاسیونشان - اهل علم که نگاهشان جور دیگری است - یا نه، احساس خطر نکردند وقتی که راجع به سلول‌های بنیادی شبیه‌سازی و این‌طور کارها آقایان حرف زدند و بنده یا دیگری هم تجلیلی از این کار کردند، مقامات آمریکایی اعلام کردند که برای علوم ژنتیک هم باید شورای حکامی به وجود بیاید! این معنایش چیست؟ دشمن از اینکه شما در این رشته دارید حرکت می‌کنید، دردش آمده است. مثال‌های واضحش را عرض می‌کنم؛ هزاران مثال دارد. آن روزی که شما مثلاً بتوانید آن چنان راداری بسازید که از هیچ نقطه‌ی

فضای آسمان این کشور، هیچ جنبنده‌ای نتواند وارد شود، آن روز دشمن دردش می‌آید؛ یعنی این تیری است که مستقیم می‌خورد به دشمن. این، می‌شود جهاد. در حرکت جهادی، در علم جهادی، در تحقیق جهادی، این عنصر حتماً شرط است. دشمن هم مقصود آمریکا نیست. حالا ما در مقام صحبت، دشمن واضحمان آمریکا و استکبار جهانی است. نه، دشمن‌ها انواع و اقسامی دارند. يك وقت يك کارتل بزرگ مالی و اقتصادی از اینکه شما بتوانید مثلاً کارخانه‌ی سیمان بسازید، ناراحت می‌شود؛ مانع‌تراشی می‌کند؛ نمی‌گذارد، که الآن در گزارش‌هایی که در اینجا به من دادند، از جمله همین مسئله بود. دلشان می‌خواهد يك شورای حکام هم درست کنند برای ساخت سیمان، که هرکس حق نداشته باشد کارخانه‌ی سیمان بسازد یا تولید سیمان کند.^۱

۲) جهاد سیاسی :

بدون جهاد، هیچ دشمنی از صحنه عقب‌نشینی نخواهد کرد، و جهاد هم جز با اتحاد و وحدت و هماهنگی، امکان‌پذیر نیست. جهاد، عبارت از جهاد نظامی، جهاد سیاسی و جهاد فرهنگی است.

این هر سه، جهاد است. هیچ‌کدام را شما مغفولاً عنه نگذارید. مبدا کسانی که در جبهه هستند و به جهاد نظامی مشغول‌اند، کار سیاسی و تعارف بین‌المللی را دست‌کم بگیرند. سرتان کلاه خواهد رفت؛ این را بدانید. اگر این را دست‌کم بگیرید و نادیده بینگارید، مطمئناً ضرر خواهید کرد. فعالیت سیاسی، به‌تنهایی و بدون پشتوانه‌ی نظامی، هیچ کاری از آن بر نخواهد آمد. اگر کار

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۹، صفحه: ۱۷.



نظامی نباشد، بهترین کار سیاسی هم به نتیجه‌ای نخواهد رسید. کار نظامی باید پشتوانه باشد؛ البته برای کسانی که اهل حق‌اند. کسانی که اهل باطل و سازش‌اند، اصلاً به کار جهادی احتیاج ندارند. بروند سازش کنند و مشکلاتشان را اگر حل شد حل کنند. کسانی که اهل حق‌اند، این‌طور نیستند. بدون کار جهادی، کار سیاسی و تحریک، هیچ فایده‌ای ندارد. کار سیاسی، باید پشتوانه‌ی جهاد نظامی داشته باشد و هر دوی این‌ها، بدون کار فرهنگی بی‌ثمر خواهد بود. کار فرهنگی، مردم را با شما نکه خواهد داشت. اکثران یا جمع کثیری از شما، به حمد الله عالم، فاضل، درس‌خوانده، زحمت‌کشیده و وارد به مفاهیم اسلامی و قرآنی هستید. کار فرهنگی را ان شاء الله دنبال کنید.^۱

۳) جهاد نظامی :

جهاد نظامی یکی دیگر از ابتکارات رهبر انقلاب می‌باشد که ایشان

در این باره این‌گونه سخن گفته‌اند :

ائمه (علیهم السلام) همه‌شان به‌مجرد اینکه بار امانت امامت را تحویل می‌گرفتند، یکی از کارهایی که شروع کردند، یک مبارزه‌ی سیاسی بود، یک تلاش سیاسی بود برای گرفتن حکومت. این تلاش سیاسی مثل همه‌ی تلاش‌هایی است که آن‌کسانی که می‌خواهند یک نظامی را تشکیل بدهند، انجام می‌دهند و این کار را ائمه (علیهم السلام) هم می‌کردند و امام موسی بن جعفر (علیه الصلوة و السلام) هم این کار را شروع کرد از سال ۱۴۸، یعنی سال وفات

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۱۲، صفحه: ۱۰.

امام صادق (علیه الصلوة والسلام) و ادامه پیدا کرد تا سال ۱۸۳، یعنی سال وفات موسی بن جعفر؛ سی و پنج سال تلاش موسی بن جعفر ادامه پیدا کرد؛ این به طور خلاصه.

زندگی موسی بن جعفر یک زندگی شگفت آور و عجیبی است. اولاً در زندگی خصوصی موسی بن جعفر مطلب برای نزدیکان آن حضرت روشن بود. هیچ کس از نزدیکان آن حضرت و خواص اصحاب آن حضرت نبود که نداند موسی بن جعفر برای چی دارد تلاش می کند و خود موسی بن جعفر در اظهارات و اشارات خود و کارهای رمزی ای که انجام می داد، این را به دیگران نشان می داد؛ حتی در محل سکونت، آن اتاق مخصوصی که موسی بن جعفر در آن اتاق می نشستند این جور بود که راوی که از نزدیکان امام هست، می گوید من وارد شدم، دیدم در اتاق موسی بن جعفر سه چیز است: یکی یک لباس خشن، یک لباسی که از وضع معمولی مرفه عادی دور هست، یعنی به تعبیر امروز ما می شود فهمید و می شود گفت لباس جنگ، این لباس را موسی بن جعفر را آنجا گذاشتند، نپوشیدند، به صورت یک چیز سمبولیک، بعد «و سیف معلق»؛ شمشیری را آویختند، معلق کرده اند، یا از سقف یا از دیوار. «و مصحف»؛ و یک قرآن. ببینید چه چیز سمبلیک و چه نشانه‌ی زیبایی است، در اتاق خصوصی حضرت که جز اصحاب خاص آن حضرت کسی به آن اتاق دسترسی ندارد، نشانه‌های یک آدم جنگی مکتبی مشاهده می شود. شمشیری هست که نشان می دهد که هدف جهاد است. لباس خشنی هست که نشان می دهد وسیله، زندگی خشونت بار رزمی و انقلابی است و قرآنی هست که نشان می دهد هدف



این است؛ می‌خواهیم به زندگی قرآنی برسیم با این وسایل، و این سختی‌ها را هم تحمل کنیم.^۱

۴) جهاد فرهنگی:

اساس شخصیت فرد و جامعه بر مسائل فرهنگی و اعتقادی مبتنی است. و جهاد فرهنگی سعی و تلاش برای تبیین، تفهیم و ترویج عقاید صحیح و ابطال عقاید باطل در جامعه می‌باشد که مصلحان با روشنگری و مجاهدت علمی و فرهنگی زیربنای فرهنگ و اعتقادات جاهلانه و خرافی را از بین برده و معارف حیات‌بخش توحیدی و فرهنگ صحیح اسلامی را به جامعه می‌رسانند. باید ابتدا با فرهنگ جاهلی مبارزه کرد و با ارائه فرهنگ ناب الهی و اسلامی، آن را به قهقرا فرستاد و نیز علیه کسانی که آگاهانه فرهنگ جاهلی پای می‌فشرند و نمی‌گذارند آب حیات بخش فرهنگ ناب الهی جهان‌های تشنه و سراب دیده را سیراب کند، جنگید و آنان را از میان برداشت البته جهاد فرهنگی يك جهاد مستمر است و ایجاد حفظ و ماندگاری احکام الهی به آن بستگی دارد.

بنابراین جهاد فرهنگی مقدم بر جهاد نظامی بوده و اهمیت زیر بنایی و به سزائی برخوردار می‌باشد. راهکارهایی هم می‌توان برای این جهاد فرهنگی برشمرد که به این ترتیب می‌توانند باشند.

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۷، صفحه: ۲.

۱. شناخت هدف، ابزار، شیوه و راهکارهای دشمن

نخستین گام ضروری در جهاد فرهنگی است. مجاهدی که دشمن را نمی‌شناسد، نمی‌تواند راهکارهای مناسب مبارزه با او را طراحی کند. مقام معظم رهبری فرمود: «هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی‌شود جواب داد، تفنگ او قلم اوست... چشم‌ها را باید باز کرد؛ صحنه را شناخت؛ مثل جنگ نظامی که بدون شناسایی و بدون دیده‌بان و بدون داشتن و بدون داشتن وضعیت دشمن، چشمش را بیندازد پایین، برود جلو، شکست خواهد خورد؛ در جنگ فرهنگی هم همینطور است.»^۱

۲. برنامه‌ریزی فرهنگی

پس از شناخت دشمن، برنامه‌ریزی لازم است؛ لذا مسئولان ارگنها، وزارتخانه‌ها، دفاتر فرهنگی و... می‌بایست با هماهنگی، یک برنامه جامع و کامل را طراحی کنند.

۳. مبارزه جدی با فساد و فحشاء

مهم‌ترین شیوه دشمنان دین به عنوان یک استراتژی، نشر فساد و فحشاء در جوامع اسلامی و دینی است. قرآن کریم یکی از حيله‌های شیطان را فراخواندن به فساد و فحشاء می‌داند و می‌فرماید

«الشَّيْطَانُ يُعِدُّكُمْ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ»^۲

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۱۲، صفحه: ۱۷.

۲. بقره: ۲۶۸

شیطان به شما وعده فقر می دهد و شما را به فحشاء دعوت می کند. و در آیه ای دیگر می فرماید:

« فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ »^۱

او (شیطان) به فحشاء و زشتی فرمان می دهد. در این دو آیه به سه مسأله مهم: «فقر»، «فحشاء» و «منکر» اشاره شده است که هر کدام می تواند جامعه ای را به سقوط بکشاند. وقتی فقر و فساد و فحشاء پدید آید، روح ایمان و جوانمردی و غیرت دینی و ملی از بین می رود و اندلسی دیگر پدید می آید. مقام معظم رهبری می فرماید: «قدرت های سلطه گر، بزرگ ترین عامل توجیه و نشر فسادند، فساد اخلاقی، فساد جنسی و فساد اعتقادی.»^۲

۴. گسترش امر به معروف و نهی از منکر

مسئله امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه همگانی است. پیامبر اعظم (ص) فرمود: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^۳
همه شما مسئولید و نسبت به زیردستان خود وظیفه دارید! «امر به معروف و نهی از منکر اساس همه اصلاحات و ضامن بقای دین. به گفته شهید مطهری: «امر به معروف و نهی از منکر، یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام و به اصطلاح علت مبقیه است. اصلاً اگر این اصل نباشد اسلامی نیست،

۱. نور: ۲۱

۲. خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۹، صفحه: ۶.

۳. کشف المحجّه لثمره المهجّه ص ۸۸.

رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمانان است. آیا یک کارخانه بدون بازرسی و رسیدگی دائم مهندسان متخصص قابل بقاست؟! اصلاً آیا ممکن است یک سازمانی همین‌طور به حال خود باشد، هیچ درباره‌اش فکر نکنیم و در همین حال به کار خود ادامه دهد! ابداً. جامعه نیز چنین است؛ یک جامعه اسلامی این‌طور است، بلکه صد درصد برتر و بالاتر!^۱

۵. احیای فرهنگ ناب محمدی (ص)

اسلام ناب، دین جهان‌شمول است. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^۲ و با فطرت انسانها هم‌آوا و هم‌سو است. اگر به درستی از آن تبلیغ شود و شاهد شیرین آن به کام انسان‌های تشنه برسد، قلب‌ها و دل‌ها را به خود جذب می‌کند و فطرت‌های الهی را شیفته خود می‌سازد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به اساتید فرمود: «باید بکوشید روحیه و فرهنگ اسلامی را ترویج کنید. ما چرا باید از صادر کردن توحید، از صادر کردن اخلاق انبیاء، از صادر کردن روح فداکاری و اخلاص، از صادر کردن تزکیه اخلاقی به کشورهای دیگر خجالت بکشیم؟ ما این انقلاب را صادر می‌کنیم. ما اگر بتوانیم توحید و ترویج از مکتب انبیاء و ارائه روش‌های انسانی، پاکیزه، طیب، طاهر، صبر، استقامت و ایثار را به کشورهای دیگر صادر کنیم هیچ ابایی نداریم.»^۳ دشمن از خوبی‌ها، ارزش‌ها و اخلاق پیامبران می‌ترسد، چراکه حیات و زندگی خود را تنها در جامع لاکیک و ضد خدایی جست‌وجو

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۱۷ ص ۲۳۵.

۲. آل عمران: ۱۹.

۳. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۱۱، صفحه: ۴۴.

می‌کند، پس چرا از همین نقطه ضعف دشمن وارد نشویم و فرهنگ اسلام ناب را تبلیغ کنیم!

۶. به شیوه تهاجمی عمل کردن

دشمنان اسلام ضعیف‌تر از آنند که موفق شوند نور خدا را که در نظام جمهوری اسلامی ایران تجلی یافته، خاموش کنند.

« يَرْيَدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ »^۱

می‌خواهند نور خدا را با دهان (تبلیغاتشان) خاموش کنند. ولی خدا نور خود را تمام می‌کند گرچه مشرکان را خوش نیاید. لیکن واقعیتی را نمی‌شود انکار کرد و آن اینکه دشمنان با شیوه تهاجمی به میدان آمده و جوامع اسلامی را مرعوب و تحت سیطره تبلیغات گسترده خود درآورده‌اند. و شما می‌دانید در یک نبرد تنگاتنگ، پیوسته ابتکار عمل به دست کسی است که حالت تهاجم به خود گرفته و با حالت دفاعی قرار دادن رقیب، قدرت تفکر و اندیشه و برنامه‌ریزی درست را از او بازستانده باشد.

۷. عمق بخشیدن به بصیرت دینی، سیاسی و فرهنگی جامعه به ویژه

جوانان

تقویت بینش سیاسی و باورهای دینی چون عقبه‌ای مستحکم، جامعه به ویژه جوانان را در برابر بمباران فرهنگی ناتوان محافظت می‌کند و او را در مقابل



موج‌های سنگین تبلیغاتی مقاوم می‌سازد. چراغ معنویات و ایمان آنگاه پرفروغ است که پشتوانه‌ای از بصیرت داشته باشد وگرنه فرد به خاطر ضعف ایمان و فقدان بصیرت دینی - سیاسی مجذوب تبلیغات پر زرق و برق و پرفریب دشمنان می‌شود. همچنان که قرآن می‌فرماید: « وَ لَتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلَيَرْضَوْهُ وَلَيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُونَ^۱ »

نتیجه (وسوسه‌های شیطان و تبلیغات شیطان‌صفتان) این خواهد شد که دل‌های منکران قیامت، به آن‌ها متمایل گردد؛ و به آن راضی شوند؛ و هر گناهی که بخواهند، انجام دهند! «

مقام معظم رهبری در تبیین این راهکار چنین می‌فرماید: «در خودتان بصیرت ایجاد کنید؛ قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتواند از واقعیت‌های جامعه، یک جمع‌بندی ذهنی برای خودتان به وجود بیاورد و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم از ضعف قدرت تحلیل بود. در صدر اسلام هم ضرباتی که خوردیم همین‌طور بوده... نگذارید که دشمن از بی‌بصیرتی و ناآگاهی ما استفاده بکند و واقعیتی را واژگون جلوه دهد.»^۲

۸. تداوم و ایستادگی

یکی از مشکلات گریبان‌گیر مجاهدان فرهنگی ابتر گذاشتن برنامه‌ها، رها کردن کار در وسط راه و نایستادن تا پایان عمل است.

۱. انعام: ۱۱۳.

۲. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۰، صفحه: ۴۳.



مقام معظم رهبری می‌فرماید: «تمام مشکلاتی که برای افراد یا اجتماعات بشر پیش می‌آید، بر اثر یکی از این دو است: «یا عدم بصیرت» و یا «عدم صبر». صبر و ایستادگی در پای عمل از عوامل مهم پیروزی است؛ و دشمن با اهرم‌های فشار روانی، ارعاب، ارهاب و حتی کشتن می‌کوشد تا مجاهدان کم‌طاقت را از میدان مبارزه بیرون راند»^۱

جهاد فرهنگی استقامت و پایداری و حتی شهادت می‌طلبد تا به پیروزی نهایی برسد.

امام خمینی (ره) می‌فرماید «این روشن است که شکستن فرهنگ شرق و غرب، بی‌شهادت میسر نیست، من بار دیگر از مسئولین بالای نظام جمهوری اسلامی می‌خواهم ک از هیچ‌کس و هیچ‌چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشای سرمایه‌داری غرب و پوچی کمونیسم نکشند که ما هنوز در قدم‌های اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم.»^۲

۵) جهاد اقتصادی

یکی از انواع جهادی که مقام معظم رهبری به آن اشاره دارند جهاد اقتصادی می‌باشد که در این باره سخن ایشان این می‌باشد:

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۰، صفحه: ۳۲.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷.



جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست. جهاد یکبار معنایی ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را نمی‌شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. انسان يك تلاشی می‌کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک‌وقت شما می‌خواهید يك تلاشی را انجام دهید، که بخصوص يك دشمنی سینه‌به‌سینه‌ی شما ایستاده است؛ این می‌شود جهاد. ممکن است یک‌وقت این جهاد به شکل قتال باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه‌ی این‌ها جهاد است؛ انواع و اقسام جهاد و مبارزه است. اگر بخواهیم در ادبیاتِ امروز ما برای «جهاد» معادلی پیدا کنیم، می‌شود «مبارزه». جهاد اقتصادی، یعنی مبارزه‌ی اقتصادی.

همه هم مسئول‌اند. این مردان مؤمنی که بعضی از آن‌ها را ما امروز دیدیم و بسیاری از شماها در این مجموعه مشغول کار هستید و جزو آن‌ها هستید، این کارتان جهاد است. این کاری که در این منطقه‌ی صنعتی و اقتصادی عظیم دارد انجام می‌گیرد، يك جهاد است. نیت اگر نیت خدائی باشد، می‌شود جهاد فی سبیل‌الله. وقتی انسان برای اعلامی کلمه‌ی حق، اعلامی کلمه‌ی اسلام، عزت بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و مسلمان ایران تلاش می‌کند، این جهاد می‌شود جهاد فی سبیل‌الله. آن وقت در این تلاش، برکات و عظمت و شأن جهاد فی سبیل‌الله وجود دارد.^۱

می‌توان برای این جهاد اقتصادی هم ملزماتی را برشمرد

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۳، صفحه: ۳.



۱. ارتباطات علمی و فرهنگی

ایجاد ارتباطات علمی و فرهنگی با مراکز و مؤسسات علمی، پژوهشی و فرهنگی، در زمینه‌های چاپ آثار علمی، انجام طرح‌های پژوهشی، تهیه و تدوین موضوعات تحقیقاتی در حوزه فعالیت‌های فرهنگی، و طبقه‌بندی آن‌ها بر پایه اولویت‌ها، ضرورت‌ها، و نیازهای نظام جمهوری اسلامی ایران، در راستای جهاد اقتصادی.

۲. آموزش نیروها

اگر آموزش نیرو نداشته باشیم و نیروهای اقتصادی کشور را آماده نکنیم، درصحنه جهاد، دچار مشکل خواهیم شد. آموزش نیروها به بدنه آموزش و پرورش و دانشگاه‌های کشور، و در نهایت رسانه‌ها، و به‌طور مشخص رسانه ملی بازمی‌گردد.

۳. توان علمی

تولید علم، اقتصاد را نیز دانش‌بنیان نموده و جهش علمی، به‌صورت طبیعی، شکوفایی در عرصه‌های گوناگون، به‌ویژه جهش اقتصادی را نیز به دنبال خواهد داشت. اراده همه ارکان نظام نیز برای تقویت و تثبیت در جهت پیشروی علمی، تضمین‌گر آینده علم در کشور است. در این زمینه به نظر می‌رسد که پیوند دانش و پژوهش، و تبدیل علم به ثروت، با حمایت از هدفمندسازی پژوهش‌های دانشگاهی و تقویت ارتباط دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی با دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی و نیز مدیریت دانش توسط دانشگاه‌ها و

مراکز علمی، با نگاهی به مباحث مدیریتی و بهره‌وری، از جمله مهم‌ترین وظایف خانواده آموزش عالی در این سال هستند.

۴. خودسازی

برای تحقق جهاد اقتصادی، خودسازی در افراد حتماً باید اتفاق بیفتد. برای یک انسان خودساخته، کار بست قواعد الهی در زندگی اصل است و تا وقتی که این امر اتفاق نیفتد قطعاً جهاد اقتصادی اتفاق نخواهد افتاد. برای خودسازی در سطح گسترده نیازمند فرهنگ‌سازی هستیم و اینجاست که نقش مدیران فرهنگی در دانشگاه‌ها اهمیت می‌یابد. این وظیفه مدیران فرهنگی است که در این زمینه فعال شوند و ابعاد مختلف این نوع جهاد را واکاوی کنند.

۵. شاخص سازی برای جهاد اقتصادی

دانشگاه‌ها به‌عنوان مراکز تولید فکر، بخش نرم‌افزاری این جهاد هستند. ساختن شاخص‌ها بر عهده دانشگاه‌ها به‌عنوان مراکز تولید فکر است. ابعاد مختلف جهاد اقتصادی، باید توسط دانشگاه‌ها؛ مشخص و واکاوی شود و به‌صورت یک منشور، برای اجرا به سازمان‌ها ابلاغ شود؛ البته دانشگاه و دولت باید در این زمینه‌ها در تعامل سازنده باهم باشند چراکه اجرای این شاخص‌ها بر عهده دولت است. در وزارت علوم، باید مرکزی متولی این امر شود، وزارت علوم می‌تواند از دانشگاه‌ها نظرخواهی کند و ابعاد و اولویت‌های جهاد اقتصادی را در ارتباط با دانشگاه‌ها مشخص کند و فعالیت‌ها را به شکل متمرکز در دانشگاه‌ها مدیریت کرده و از پراکنده‌کاری جلوگیری کند و در نتیجه، کارهای علمی در دانشگاه‌ها به شکل متمرکز، توسط وزارت علوم به دولت انتقال یابد.



۶. درونی شدن مبانی اسلام

درک چرایی وضعیت کنونی فرهنگ، لازمه حل مشکلات فرهنگی است. همه می‌دانیم که مظاهر فساد، اثرات شدید اقتصادی نیز می‌گذارد که این پیام قرآن است. امروزه بعضاً کسانی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تحصیل می‌کنند که برای کشور ارزش اجتماعی تولید نمی‌کنند و در حقیقت، تحصیل آن‌ها اتلاف منابع است. از این رو باید مبانی اسلام در فضای دانشگاه‌ها، با حرکتی عمیق درونی شود. عفاف و حجاب خود نمادی است که از وضعیت درونی افراد حکایت می‌کند و همه این مسائل، به خودسازی بازمی‌گردد؛ تغییر این وضعیت، وظیفه مدیران فرهنگی است. نهادهای فرهنگی دانشگاه‌ها باید از حالت خنثی خارج شوند و بر اساس مبانی اسلامی، به تمشیت امور بپردازند.

۷. امید، ایثار و سخت‌کوشی

جهاد اقتصادی در یک گفتمان انقلابی و دینی معنا می‌یابد و برای تحقق این منظور، دمیدن روح امید، ایثار و سخت‌کوشی، به‌عنوان مؤلفه‌های فرهنگی برای یک جهادگر اقتصادی، ضروری است. در یک نگاه، کار به‌مثابه یک تکلیف الهی است که جدیت در آن، عبادت به‌شمار می‌آید.

۶) جهاد اسلامی

یکی از انواع جهاد بنابر فرمایشات رهبر معظم انقلاب جهاد اسلامی می‌باشد که ایشان در این باره می‌فرمایند:

جهاد اسلامی اصلاً برای همین است و امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام)

در باره‌ی جهاد اسلامی می‌فرماید:



«لیخرج الناس من عبادة العباد الى عبادة الله و من طاعة العباد الى طاعة الله و من ولاية العباد الى ولاية الله»؛ اصلاً جهاد برای این است؛ جهاد برای کشورگشایی نیست، برای فتح سرزمین نیست، برای به دست آوردن غنائم جنگی نیست، جهاد برای این است که انسان‌ها را از بردگی بندگان به عبودیت خدا سوق بدهند، از اطاعت و فرمان‌بری بندگان و نظام‌های ساخته‌ی دست بندگان به اطاعت خدا بکشانند، از ولایت و حاکمیت و سرپرستی بندگان و انسان‌های ضعیف که خودشان برده‌ی هوا و هوس و شهوت و غضب خودشان هستند، انسان‌ها را خارج کنند و به ولایت‌الله و سرپرستی خدا ببرند. کدام افتخار برای انسان از این بالاتر است؟ این آن انسان آزاد ایده‌آل است که می‌تواند ادعا بکند که من آزادم. آن انسانی که ادعا می‌کند من آزادم، فقط آزادی‌اش در این است که توی خیابان مثل حیوانات جلوی چشم مردم می‌تواند جفت‌گیری بکند یا آزادی‌اش در این است که يك صندوقی را آنجا می‌گذارند و تمام امکانات فهم و شعور او را در دست می‌گیرند و او را هل می‌دهند که برود توی این صندوق به نام يك کسی، يك کارتی، يك ورقه‌ی رأیی بیندازد، آزادی او فقط همین است، اما هزاران اسارت دست و پای او را بسته، این آزاد نیست؛ این انسان چطور ادعا می‌کند من آزادم؟ اسارت شغل، اسارت نظام‌های فاسد، اسارت هوی و هوس، اسارت‌های پلیسی، اسارت‌های گوناگون ناشی از فشار قدرت‌ها، اسارت اقتصادی به دست تشکیلات گوناگون اقتصادی دنیا، این ملت‌هایی که این‌همه اسارت دارند، چطور می‌توانند بگویند ما آزادیم؟ چطور می‌توانند ادعا بکنند که آنی که دارند این آزادی است، این چه آزادی است؟ این همان چیزی است که اسلام قبول ندارد. آزادی اسلام، ریشه‌اش آزادی انسان از عبودیت هر آنچه غیر

خداست، درحالی که آزادی غربی ریشه‌اش عبارت بود از تمنیات و تمایلات و خواست‌های پست انسانی یا همه جور خواست انسانی.^۱

تبیین (روشنگری)

واژه تبیین در مقابل واژه انگلیسی «*explanation*» به کار می‌رود. واژه‌ی «*explanation*» به معنای «کنش یا فرایند توضیح و شرح»، «چیزی که شرح و بیان می‌شود»، «وضوح سازی از بدفهمی‌ها»، «آشتی»، «تلفیق» و «تطبیق»، ترجمه شده است.

اصطلاح تبیین فرایندی است، عقلی-پژوهشی (معرفتی) که بر اساس دلیل و برهان و به‌شیوه‌ای منسجم و منطقی، به بررسی جنبه یا جنبه‌های گوناگون یک مسئله پرداخته و از پیدایش مسئله‌ی مجهول یا امر مبهم، به وجود می‌آید.^۲

تبیین واژه‌ای است که در اعصار گذشته نیز کاربرد داشته است؛ اما باید گفت، هدف تبیین از گذشته تا به امروز تغییر یافته است. در قرون وسطی، کندوکاو در تبیین یک پدیده، بر وفق صورت (Form) حقیقی یا ذات معقول (Intelligible Essence) آن و غایتی که [به‌همراه] داشت و هدفی که برمی‌آورد، انجام می‌شد. تجدید مطلع قرن سیزدهمی علم یونان، همراه با

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۸، صفحه: ۵.

۲. جمشیدی، محمدحسین؛ مبنای و روش‌شناسی تبیین (با تأکید بر اندیشه سیاسی)، ص ۷۰.

سنتز والایی که توماس آکویناس از الهیات مسیحی و فلسفه‌ی ارسطویی فراهم آورده بود، در قلمرو مسیحیت، راه تازه‌ای در تبیین طبیعت باز کرده بود؛ که تا قرن هفده بر تفکر غرب چیره بود. از آن قرن به بعد، در تبیین، تنها میزان همبستگی بین شاخص‌های مبهم تعیین شد. بدین شکل، تبیین غایت‌شناختی (Teleological Explanation) که مختص تفکر قدما بود، جای خود را به تبیین توصیفی (Descriptive Explanation) داد. به طور مثال گاليله نمی‌پرسید چرا اشیاء سقوط می‌کنند؟، بلکه می‌پرسید چگونه پدیده‌ها نشو و ارتقاء می‌یابند؟ او این چنین، مسائل مربوط به غایت و غرض آن‌ها را نادیده می‌گرفت.^۱

مقام معظم رهبری در مورد تبیین می‌فرماید: این يك وظیفه‌ی بزرگ بر دوش همه‌ی غمخواران ملت ایران و غمخواران کشور، از جمله شما جوان‌های عزیز پاسدار و سازمان بزرگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، قرار می‌دهد. کار شما فقط جنگیدن نیست؛ سپاه پاسداران، پاسدار انقلاب است. البته جنبه‌ی نظامی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مطلقاً نباید تضعیف بشود؛ همچنان‌که شایسته‌ی يك سازمان نظامی است، باید به بهترین وجه و در نوترین شکل و مبتکرانه‌ترین گونه‌ی کار ادامه داشته باشد؛ اما فقط این نیست. وظیفه‌ی تبیین، امروز بر دوش همه است؛ از جمله بر دوش شما. اینکه بنده روی تبیین این همه تکیه می‌کنم، برای خاطر این است که امروز این جهاد کبیر به میزان زیادی متوقف به تبیین است؛ تبیین، بیان کردن، روشن‌گری؛ امروز روشن‌گری لازم است. سعی کنید ذهنها را با عمق‌یابی، به اعماق حقایق و مسائل برسانید. این

۱. ایان، باربور؛ علم و دین، بهاء‌الدین خرمشاهی، ص ۳۱.

دانشگاه شما می‌تواند کارهای بزرگی را در این زمینه انجام بدهد و می‌تواند تبیین را یکی از برنامه‌های اساسی خودش قرار بدهد؛ هم در بین مجموعه‌ی خودی، هم در قلمرو وسیع‌تری، تا آنجایی که امکاناتش اجازه بدهد.^۱

شرایط تبیین

در تبیین، همبستگی میان مبین و متبیین، فرایند تبیین را تشکیل نمی‌دهند؛ یعنی مصادره به مطلوب یا دور در تبیین غلط است. مثلاً اینکه بگوییم چرا این حکومت مورد اعتماد مردم نیست و پاسخ دهیم چون عملکرد آن بد بوده است. شرایط کلی تبیین را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. تبیین نیاز به استدلال و برهان دارد و گاه، خود در قالب یک استدلال یا برهان مشخص شکل می‌گیرد. بنابراین، رکن اصلی آن، وجود استدلال است.

۲. تبیین یک جریان، فرایند عقلی است؛ هرچند مقدماتش را از تجربه یا حس به‌دست آورد.

۳. تبیین، تنها به‌وسیله‌ی شروط اولیه یا خاص و یا موارد جزئی یا گزاره‌ها و قضایای جزئی امکان‌پذیر نیست؛ بلکه همواره نیازمند قوانین کلی و غیرخاص است.

۴. گاه تبیین از چندین استدلال تشکیل می‌شود؛ که متگی به یکدیگرند.

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۸، صفحه: ۱۹.



۵. سرآغاز هر تبیین، مسائل و پرسش‌هایی است و بیش‌تر در پاسخ به آن‌ها مطرح و ارائه می‌شود.
۶. تبیین، به‌جای تشریح یا توصیف و تحلیل رویداد یا مسأله‌ای، حدوث چرایی و چگونگی آن‌را بیان می‌دارد.
۷. هر تبیین، حداقل نیازمند طرح یک نظریه است؛ که آن چارچوب نظری برای تبیین مورد پذیرش است.
۸. مقدمات یا پیش‌فرض‌ها و قضایای مبین می‌بایست، منطقاً به‌گونه‌ای باشند که نتیجه از آن‌ها استنباط و اخذ گردد.
۹. از مهم‌ترین شرایط تبیین، صادق بودن گزاره‌های مقدماتی آن یا همان کبری و صغرای استدلال است.
۱۰. تبیین‌پذیر بودن (و یا گاهی در حیطه‌ی علوم طبیعی، آزمون‌پذیر بودن) مقدمات، یکی دیگر از شرایط و ویژگی‌های تبیین است.
۱۱. آگاهی از مفاهیم مهم در تبیین که اجزاء یا بخش‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن محسوب می‌شود. این مفاهیم به اختصار عبارت‌اند از خود تبیین، استدلال یا برهان، اصول متعارف یا آگزیوم‌ها (آگزیوم‌های جامع و آگزیوم‌های محدود یا همان شرایط وقوع)، نظام آگزیوماتیک یا مجموعه‌ی اصول متعارف، قوانین کلی یا کبراهای استدلال، شرایط خاص مبین (مجموعه‌ی مقدمات یا آگزیوم‌ها)، متبیین (حاصل تبیین) و نوع تبیین.^۱

۱. شاله، فیلسین؛ شناخت روش علوم یا فلسفه‌ی علمی، عیسی مهدوی، ص ۱۸۶.



عرصه‌های تبیین

برای تبیین می‌توان عرصه‌ها و جایگاه‌های گوناگونی را در نظر گرفت و تمامی آن‌ها را شناخت ما در اینجا قصد داریم با توجه به هدفی که در نظر داریم با توجه به بیانات رهبری عرصه‌هایی را برای تبیین برشماریم.

تبیین معارف

از آن جا که همه مردم با یک فهم و دقت آفریده نشده‌اند و هر کدام با یکدیگر تفاوت‌هایی را دارند خدای سبحان که شیوه‌های گوناگون دعوت را به رسول خود آموخت، خود نیز در بیان کردن و فهماندن معارف قرآنی آن را به کار گرفت از این رو، لازم است کتاب جهان شمول الهی، معارف فطری را با روش‌های متفاوت و در سطوح گوناگون تبیین کند تا ژرف اندیشان محقق به بهانه نازل بودن مطالب وحی خود را بی‌نیاز از آن نپندارند و ساده اندیشان مقلد نیز به دستاویز پیچیدگی معارف آن، خود را محروم نینند. بر این اساس، قرآن کریم نه تنها از راه حکمت، موعظه و مجادله و گفته‌گوی نیکوره آورد خویش را نشان داده است، بلکه بسیاری از معارف خود را در چهره مَثَل نمودار ساخته و از راه تمثیل آن‌ها را تنزل داده است تا برای سرپیچی کننده‌گان از اطاعت خدا و مبتدیان تعلیم، و برای محققان و خردپیشگان تأیید، و در نتیجه فهمش برای همگان آسان باشد.

رهبر معظم انقلاب در بیانات خودشان تبیین معارف را لازم می‌دانند و می‌خواهند از مسئولین مرتبط که از فرصت‌ها استفاده کامل را ببرند و تا

می‌توانند معارف را با توجه به ابزاری که دارند برای مردم روشن کنند در این باره می‌فرمایند: ضمناً توجه کنید، این گزارشگرانی که می‌روند در این مجموعه‌ها و افراد را هدایت می‌کنند، این‌ها بایستی بدانند که چه چیزهایی را در این گزارشگری باید گفت. این گزارشگری با - به قول متعارف - گزارشگری برای گردشگران یا توریست‌های خارجی که می‌آیند مثلاً فلان بنا را تماشا می‌کنند فرق دارد؛ این يك چیز دیگر است، این را با آن نباید اشتباه کرد؛ آنجا يك جور گزارش مطلوب است، اینجا يك جور گزارش. اینجا محتوای گزارش بایستی پُر از تبیین، پُر از معرفت، پُر از بیان حقایق، پُر از نقاط برجسته و مثبت دوران دفاع مقدّس و ارزش‌های دفاع مقدّس باشد؛ این جوری باید باشد. البتّه من نمی‌گویم اغراق کنید. من از اغراق و مبالغه و مانند اینها هیچ طرف‌داری نمی‌کنم؛ بعکس، ما در این حملات دوران هشت‌ساله، حملات موقّعی داشتیم، حملات ناموقّعی داشتیم. فرض کنید در حمله‌ی رمضان - من بابِ مثال - یا کربلای چهار، حمله‌ی ناموقّعی [داشتیم]؛ حملات موقّعی هم داشتیم، فرض کنید که در والفجر هشت، جوانهای ما رفتند آن‌طرف ارون‌درو؛ اما همان حملات موقّعی [هم] حملاتی بود که با صدها مشکل همراه بود. انسان‌ها همه يك جور نیستند، دشواری‌های فراوان بود؛ بعضی‌ها از بین راه برمیگشتند، بعضی‌ها پشیمان می‌شدند، بعضی‌ها جلو نمی‌رفتند، بعضی‌ها بیش از آنچه به فکر انجام وظیفه باشند، به فکر این بودند که درباره‌ی ما چه می‌گویند، این جوری هم داشتیم؛ این‌ها را هم بگوییم، اشکالی ندارد. در بین [بیان] همه‌ی این مجموعه است که آن تالوهای فوق‌العاده خودش: آن انسان‌های ناب، آن شهدای عزیز، عالی‌قدر، خودشان را، ارزششان را، والایی‌شان را نشان می‌دهند. بنابراین هیچ لزومی ندارد مبالغه کنیم، اغراق کنیم یا جوری حرف بزنیم که گویی آن‌ها يك انسان‌های

دیگری بودند؛ نخیر، از همین جنس ماها بودند، منتها بهتر از ما راه را شناختند، بهتر از ما زندگی را فهمیدند، اقبال بیشتری داشتند، توسل بیشتری داشتند، خدای متعال هم به آنها توجه بیشتری کرد و آنها را از سرچشمه‌ی لطف و فضل خودش سیراب کرد.^۱

تبیین انقلاب اسلامی

در این باره رهبر انقلاب اسلامی در خطاب به مسئولین حج بیاناتی را داشته‌اند که بروید و تبیین کنید چون جمهوری اسلامی دشمن زیاد دارد و بعد این تبیین را به وظیفه همه مردم قرار داده است و می‌فرماید: جمهوری اسلامی مظلوم است. من به شما عرض بکنم - من سال‌هاست این را گفته‌ام - جمهوری اسلامی نظامی است که تمام ارکان اقتدار معنوی در او جمع است؛ مقتدر است، اما مقتدر مظلوم. این‌ها باهم منافات ندارد. مظلوم است به خاطر چی؟ به دلایل مختلف؛ یکی‌اش این است که دشمنان جمهوری اسلامی برای اینکه فکر و آرمان جمهوری اسلامی در بین جامعه‌ی عظیم مسلمان‌ها گسترش پیدا نکنند، انواع و اقسام دروغ‌ها را به جمهوری اسلامی بسته‌اند؛ از دروغ‌های اعتقادی و فکری بگیرد تا دروغ‌های فرقه‌ای و سیاسی و اجرائی. این کار را می‌کنند، آن کار را می‌کنند، این جور می‌گویند، آن جور می‌گویند، این جور فکر می‌کنند، آن جور عمل می‌کنند. سی سال است که دارند علیه ما دروغ می‌بافند. شما که کارگزار حج‌اید، شما که دلتان لبالب از اعتقاد و ایمان به نظام جمهوری

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۸، صفحه: ۵۹.

اسلامی است، در حج در کنار این برادر مسلمانی که در معرض این تبلیغات قرار گرفته است، تکلیف اولتان چیست؟ تبیین. معارف اسلامی و معارف نظام اسلامی را تبیین کنید. جمهوری اسلامی، جمهوری «اسلامی» است. ما اکثریت مردم ایران شیعه هستیم، اما نظام ما نظامی است که شامل شیعه و سنی می‌شود. دلیلش هم این است که هم در انقلاب، هم بعد از پیروزی انقلاب، هم در جنگ تحمیلی، هم برادران سنی ما در داخل، هم يك كثرت عظیمی از مسلمانان عالم که سنی هستند، از ما حمایت کردند، از ما دفاع کردند، برای خاطر جمهوری اسلامی ایستادند و عده‌ای کشته شدند. جمهوری اسلامی این است.

در کشورهای اسلامی، چه در آفریقا، چه در آسیا، چه در همه‌ی مناطق دنیا، حتی در قلب آن کشوری که بیشترین دشمنی را با ما کرده است - یعنی ایالات متحده‌ی آمریکا - مسلمانانی هستند که شیعه نیستند، اما دلشان لبریز از محبت جمهوری اسلامی و محبت امام و محبت این ملت بزرگ با عزم و اراده است؛ چون جمهوری، جمهوری اسلامی بود. این‌ها این را تحریف می‌کنند؛ تبدیل می‌کنند و می‌خواهند به دروغ مارک دشمنی با فرق اسلامی را به سینه‌ی جمهوری اسلامی بزنند. بروید این‌ها را تبیین کنید. برادران مسلمان ما، خواهران مسلمان ما در سراسر دنیا بدانند که اینجا مال آن‌هاست؛ بدانند اینجا همان کاری انجام گرفته است که دل هر مسلمانی در آرزوی انجام گرفتن آن هست. کدام مسلمان است که در دنیا نخواهد که قرآن حاکمیت پیدا کند. اینجا قرآن حاکمیت پیدا کرده؛ اینجا شریعت حاکمیت پیدا کرده. امروز در دنیای اسلام کیست که از تسلط و نفوذ بیگانگان و کفار در کشورهای اسلامی دلش خون نباشد؟ دل‌هایشان خون است و نمی‌توانند حرف بزنند؛ به آن‌ها اجازه

نمی‌دهند حرف بزنند. جمهوری اسلامی همان منبر بزرگ و عظیم و جهانی و آزادی است که همان حرف در دل آن‌ها و فریاد شکسته‌ی در گلوی آن‌ها را در اینجا با صدای رسا بلند می‌کند. مستکبرین هم به همین جهت با او مخالفند. دشمنی آمریکا با ما به خاطر همین است. ما حرف دل ملت‌های مسلمان را داریم می‌زنیم. ملت‌های مسلمان که همین چند تا حکومت فاسد نیستند. ملت‌های مسلمان از نفوذ آمریکا، از دخالت آمریکا، از تکبر آمریکا، از تکبر استکبار - اعم از آمریکا و غیر آمریکا - دل‌هایشان پر است؛ دل‌هایشان خون است؛ منتها دستشان نمی‌رسد. این حرف‌ها در اینجا در همه‌ی سطوح حکومت از بالا تا پایین، با صراحت دارد بیان می‌شود. این‌ها حقائق خیلی شیوا و زیبایی از جمهوری اسلامی است؛ این‌ها را بگوئید تا این‌ها را دنیای اسلام و ملت‌های اسلام بفهمند؛ بدانند. البته این تبیین فقط مخصوص يك عده از خواص، مثلاً دانشجویها که در کشورهای اسلامی و در دانشگاه‌ها به خاطر ارتباطات گوناگون عمومی بین‌المللی به این چیزها دست پیدا می‌کنند، نباشد؛ بلکه آحاد مردم بدانند؛ بفهمند. این‌ها فرصتهای تبیین برای نظام جمهوری اسلامی است.^۱

متأسفانه در داخل کشور هم برخی افراد هستند که خود را به دست بیگانگان سپرده‌اند و از آن‌ها را قبله آمال خود کرده‌اند و نمی‌خواهند پیشرفت کشور عزیزمان ایران را ببینند و حاضر نیستند که دست آوردهای انقلاب را در این ۴ دهه بعد از انقلاب مشاهده کنند و همسو با دشمنان قسم خورده خارجی فریاد

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۰، صفحه: ۳۵.



می‌زنند این افراد هم باید به درستی تبیین شوند و مرز خود را از دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی جدا کنند.

آداب جهاد تبیین

اخیراً رهبر انقلاب اسلامی حکمی را داده‌اند مبنی بر جهاد تبیین که در آن حکم به همه افراد جامعه و مخصوصاً جوانان دستور داده‌اند که برای تبیین حرکت کنند و اجملاً شرایطی هم برای تبیین ذکر کرده‌اند ایشان فرمودند: هر کدام از شما به عنوان یک وظیفه، مثل یک چراغی، مثل یک نوری پیرامون خودتان را روشن کنید. امروز خوشبختانه میدان باز است برای انتشار افکار. این فضای عمومی در کنار مشکلاتی که ممکن است به وجود بیاورد، برکات بزرگی هم دارد؛ می‌توانید افکار درست را، افکار صحیح را منتشر کنید، پاسخ به اشکالات را، پاسخ به ابهام‌آفرینی‌ها را در این فضا با استفاده‌ی از این امکان منتشر کنید و می‌توانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید. البته اصل قطعی در این باب این است که بایستی از شیوه‌ی اخلاقی در این کار پیروی کرد. از این کاری که بعضی‌ها در فضای مجازی یا در مطبوعات و در مقاله‌ها و اینجا و آنجا انجام می‌دهند که با دشنام، با تهمت و فریب و دروغ با افکار عمومی مواجه می‌شوند، باید بشدت اجتناب کرد. بایستی حقایق را با منطق قوی، سخن متین و عقلانیت کامل، همراه با زینت عاطفه و عواطف انسانی، و به‌کارگیری



اخلاق منتشر کرد. امروز همه‌ی ما بایستی در این میدان حرکت بکنیم؛ هر کدام به نحوی و با سهمی که در این راه داریم.^۱

در این قسمت با توجه به بیانات رهبر انقلاب می‌خواهیم آدابی را برای جهاد تبیین از کلام ایشان بیان کنیم.

۱. آگاه‌سازی بدون ایجاد فتنه، فساد و دعوا

وظیفه‌ی اصلی ما عبارت است از تبیین؛ باید تبیین کنیم. این تبیین به شکلهای مختلفی ممکن است انجام بگیرد؛ آن شکلی که در آن فتنه به‌وجود بیاید، دعوا به‌وجود بیاید، آن شکل مطلوب نیست. آن شکلی که برای مردم آگاهی به‌وجود بیاید، برای مسئولین تنبّه به راه‌حل‌ها به‌وجود بیاید، آن شکل بسیار مطلوب است؛ این اشکالی هم ندارد. جایگاه قانونی خودشان را حفظ کنند. بیان موضع‌گیری خوب است، البته عرض کردیم بیان موضع‌گیری دو جور ممکن است؛ آن جوری باشد که موجب فساد و موجد فساد باشد، نباید باشد اما بیان حقایق جوری که مردم را آگاه کند، مسئولین را آگاه کند، مسئولین را متشکر کند [مطلوب است]. گاهی انسان يك حرفی را میزند اگرچه انتقادآمیز است، مسئولین می‌آیند تشکر می‌کنند؛ برای خود ما مکرر پیش آمده که مسئولین می‌گویند آقا این نکته‌ای که شما گفتید، کار ما را آسان کرد و ما می‌توانیم کارمان را انجام بدهیم؛ ممکن است تشکر بکنند از شما.^۲

۱. بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی ۱۴۰۰/۰۷/۰۵.

۲. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۷، صفحه: ۲۹۳.

۲. متقن، مستدل و بهنگام

موضعی که می‌گیرید موضع متقن و مستدل باشد؛ موضعی باشد که نتواند درباره‌اش خدشه کنند.

دوم اینکه بهنگام باشد. گاهی اوقات موضع‌گیری در يك مورد و يك چیزی، در يك وقت خوب است، [اما] فردایش خوب نیست؛ یعنی بی‌فایده است یا گاهی هم مضر است؛ باید حواستان باشد بهنگام این کار را انجام بدهید.^۱

۳. دوری از جنجال، هیاهو و غرض‌ورزی

اینکه مثلاً فرض کنید علیه برجام بروند جلوی مجلس شورای اسلامی اجتماع کنند، من فکر نمی‌کنم يك منطقی پشت سر این باشد؛ خب، حالا مگر نمایندگان مجلس چقدر فرصت دارند؟ اجتماع درست این است که شما يك سالنی اجاره کنید یا در اختیار بگیرید، پانصد نفر، هزار نفر، دو هزار نفر، ده هزار نفر دانشجوی آنجا جمع بشوند، دو نفر سه نفر با مطالعه‌ی قبلی بروند آنجا به‌طور استدلالی حرف بزنند؛ این مهم است.^۲

بنده می‌بینم گاهی اوقات يك جماعتی، يك افرادی، جوان‌های احتمالاً صالح و مؤمنی با يك کسی مخالفند یا با يك جلسه‌ای مخالفند، بنا می‌کنند هیاهو کردن و جنجال کردن و شعار دادن؛ بنده با این کارها موافق نیستم. این هیچ فایده‌ای ندارد؛ این را من از قدیم به کسانی که در این کارها بودند، همواره سفارش کرده‌ام. اینکه بروند در يك مجلسی، چون فلان کس سخنرانی می‌کند که شما مثلاً او را قبول ندارید - ممکن هم هست حق با شما باشد یا نباشد -

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۸، صفحه: ۲۹.

۲. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۸، صفحه: ۲۹.

برویم این مجلس را خراب کنیم، به هم بزنی؛ نه، این هیچ فایده‌ای ندارد. فایده در تبیین است، فایده در کار درست است، در کار هوشمندانه است؛ این‌ها است که فایده دارد. گاهی اوقات بعضی‌ها از روی اغراضی این کارها را می‌کنند، به پای بیجه‌های مؤمن و حزب‌اللّٰهی می‌اندازند؛ حواستان به این هم باشد.^۱

۴. عمارگونه و بدون تعصب و تعلقات جناحی

یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است؛ حقائق را بدون تعصب روشن کنند؛ بدون حاکمیت تعلقات جناحی و گروهی و بر دل آن گوینده. این‌ها مضر است. جناح و این‌ها را باید کنار گذاشت، باید حقیقت را فهمید. در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب عمار یاسر تبیین حقیقت بود.^۲

۵. استقامت و تکرار

این تبیین هم در محیط دانشجویی است، هم در محیط بیرون دانشجویی، همان‌طور که گفتم، مسئله‌ی نماز جمعه و امثال اینها، که اینها گفتمان درست می‌کند، این‌ها فکر و مطالبه‌ی عمومی ایجاد می‌کند و این خیلی با ارزش است، کشور را می‌کشاند به يك سمت مشخصی، البته تداوم کاری لازم دارد، استقامت لازم دارد، درست گفتن لازم دارد، تکرار لازم دارد، ممکن است يك زمانی هم طول بکشد.^۳

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۸، صفحه: ۱۹.

۲. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۱، صفحه: ۲۶.

۳. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۸، صفحه: ۲۹.



۶. پرهیز از تهمت زدن

البته در این زمینه روشنگری لازم است؛ روشنگری بدون اتهام، بدون تهمت زدن، بدون مصداق معین کردن، اما روشنگری اذهان مردم؛ چیز لازمی است. ببینید، یکی از آن چیزهایی قرآن کریم خطاب به مخالفین، به یهود در آن روز، [می گوید] و بر آن‌ها ایراد می‌گیرد این است: لَمْ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ یکی از ایرادهای بزرگ این است که شما باطل را با حق مخلوط می‌کنید، مشتبه می‌کنید؛ «لبس» یعنی اشتباه، «تلبسون» [یعنی] مشتبه می‌کنید حق را با باطل، وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ، حق را کتمان می‌کنید. حقیقت را باید بیان کرد که این وظیفه‌ی ما است.^۱

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۷، صفحه: ۲۸۱.



توصیه‌های رهبری در مورد فضای مجازی

رهبر انقلاب در مورد فضای مجازی به مناسباتی پیام‌هایی را داشته‌اند که در این جا به بررسی آن‌ها می‌پردازیم

۱. مقابله با دشمن در جنگ نرم در فضای مجازی

دشمن دو هدف را به نظر ما در جنگ نرم دنبال می‌کند -حالا یک جنگهای آشکار نظامی و سخت و خشن هست که آن‌ها حکم خودش را دارد، اما جنگ نرم مشکل‌تر علاج می‌شود و به یک معنا از جنگ سخت خطرناک‌تر هم هست - دشمن در این جنگ نرم دو حرکت را انجام می‌دهد: یکی این است که این زنجیره‌ی توأسی به حق و به صبر را قطع کند؛ دوّم اینکه حقایق را وارونه نشان بدهد که تبلیغات فراوانی هم دارند که حقایق عالم را راحت بعکس و بدروغ وارونه نشان بدهند. اما اینکه رشته‌ی توأسی به حق و صبر را در بین مؤمنان قطع کند، جریان توأسی را قطع کنند، چیز خطرناکی است؛ [اینکه] کاری کنند که مؤمنین به یکدیگر توصیه نکنند، همدیگر را حفظ نکنند، به یکدیگر امید ندهند؛ اگر قطع این جریان، بریده شدن جریان توأسی در جامعه اتفاق بیفتد، خیلی خطرناک است. این موجب می‌شود که انسانها احساس تنهایی کنند، احساس نومیدی کنند و اراده‌ها ضعیف بشود، امیدها کمرنگ بشود، جرئت اقدام از دست برود. وقتی توأسی نبود، این اتفاقات می‌افتد؛ و طبعاً وقتی این جور شد، امیدها کم شد و جرئتها کم شد و اراده‌ها ضعیف شد، قهراً هدف‌های عالی و متعالی بتدریج از دسترس دور می‌شود و کمرنگ می‌شود

و دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد و به دست فراموشی سپرده می‌شود؛ که این افسران جنگ نرم ما نباید اجازه بدهند این اتفاق بیفتد. من یک وقتی گفتم جوانهای ما افسران جنگ نرم ما هستند. جوان‌ها نباید اجازه بدهند یک چنین اتفاقی بیفتد و باید امیدآفرینی کنند، باید توصیه‌ی به ایستادگی، توصیه‌ی به تبلی نکردن، توصیه‌ی به خسته نشدن کنند؛ این‌ها کارهایی است که جوانهای ما که گفتیم افسران جنگ نرم هستند بر عهده دارند.

البته امروز فضای مجازی یک فرصتی است برای این کار. حالا دشمنان از فضای مجازی جور دیگر استفاده می‌کنند اما شما جوانهای عزیز این جوری از آن استفاده کنید: از فضای مجازی استفاده کنید برای امیدآفرینی، برای توصیه‌ی به صبر، برای توصیه‌ی به حق، برای بصیرت‌آفرینی، برای توصیه‌ی به خسته نشدن، تبلی نکردن، بیکاره نماندن و مانند اینها.^۱

۲. ضرورت قوی شدن در فضای مجازی

امروز قوت در فضای مجازی حیاتی است؛ امروز فضای مجازی حاکم بر زندگی انسانهاست در همه‌ی دنیا؛ و یک عده‌ای همه‌ی کارهایشان را از طریق فضای مجازی پیش می‌برند؛ قوت در این [زمینه] حیاتی است.^۲

۳. هدایت و مدیریت فضای مجازی توسط دشمنان

فضای مجازی خیلی مهم است. آقایانی که در زمینه‌ی فضای مجازی نظراتی دارند و ابراز می‌کنند و گاهی می‌گویند که این جزو زندگی اصلی مردم

۱. بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث ۱۳۹۹/۱۲/۲۱.
۲. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۴۲، صفحه: ۲.



است - که ما هم قبول داریم؛ الان واقعاً فضای مجازی، یک بخش حقیقی از زندگی مردم شده؛ حالا دولت الکترونیک و از این قبیل که به جای خود محفوظ است - شگئی نیست [اما] آنچه عرض من است و من روی آن تکیه می‌کنم این است که فضای مجازی بدون اختیار ما، از بیرون از اختیار ما دارد مدیریت می‌شود؛ بحث این است. فضای مجازی یک چیزی نیست که آدم بتواند مثل یک آب روانی هر جور که می‌خواهد از آن استفاده بکند؛ دیگران دارند این آب را به یک سمتی که خودشان می‌خواهند هدایت می‌کنند؛ آن‌ها دارند مدیریت می‌کنند این فضا را. خوب وقتی که ما میدانیم کسانی از بیرون دارند فضای مجازی را - که ما هم دست‌اندرکارش هستیم و مبتلابه ما است - هدایت می‌کنند و مدیریت می‌کنند، ما نمی‌توانیم بی‌کار بنشینیم در مقابل او؛ ما نمی‌توانیم مردمان را که با فضای مجازی ارتباط دارند، بی‌پناه رها کنیم در اختیار آن مدیری که دارد پشت پرده، فضای مجازی را اداره می‌کند. عوامل مسلط بین‌المللی در این زمینه‌ها بشدت فعالند: از لحاظ خبردهی، خبررسانی، تحلیل داده‌ها و امثال گوناگون؛ هزاران کار دارد انجام می‌گیرد روی فضای مجازی. برای خاطر این است که بنده روی مسئله‌ی شبکه‌ی ملی اطلاعات این همه تأکید می‌کنم.^۱

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۴۲، صفحه: ۱۳.

۴. تشکیل جبهه واحد در فضای مجازی

یکی دیگر از مسائلی که به نظرم می‌توانید شما انجام دهید تشکیل يك جبهه‌ی واحد ضدّ آمریکایی و ضدّ صهیونیستی در سطح دانشجویان جهان اسلام است؛ این کار را بکنید. بنشینید، فکر کنید، بعد يك جبهه‌ی ضدّ صهیونیستی و ضدّ آمریکایی [تشکیل دهید]. امروز وسیله‌ی ارتباط هم آسان است، دیگر نامه‌نگاری و پست و تلگراف و مانند اینها لازم ندارد. در فضای مجازی تماس بگیرید، کم‌اینکه در موارد مشابهی این کار انجام گرفته. به قول این فرنگی مآب‌ها يك کمپین‌های عمومی دنیای اسلامی تشکیل دهید علیه تسلط آمریکا، از لحاظ ضدّیت با سیاستهای آمریکایی و سیاستهای صهیونیستی. میلیون‌ها عضو وارد این مجموعه بشوند، وارد این جریان فکری بشوند و برایشان خوراک تهیه کنید؛ آن‌وقت آن‌ها هم برای شما خوراک تهیه می‌کنند، چون در دنیای اسلام هم بالاخره افکار خوب دانشجویی وجود دارد؛ يك جمعیت عظیم دانشجویی در دنیای اسلام به وجود بیاورید.^۱

۵. تبلیغ مفاهیم و معارف اسلامی در فضای مجازی

هیچ کس در عالم روحانیت، اگر انصاف و خرد را میزان قرار بدهد، نمی‌تواند خودش را از نظام اسلامی جدا بگیرد. نظام اسلامی يك امکان عظیمی را در اختیار داعیان الی‌الله و مبلغان اسلام قرار داده. کی چنین چیزی در اختیار شما بود؟ امروز يك طلبه‌ی فاضل در تلویزیون می‌نشیند نیم ساعت حرف می‌زند، ده میلیون، بیست میلیون مستمع از روی شوق به حرف او گوش

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۸، صفحه: ۲۹.



می‌دهند. کی چنین چیزی برای من و شما در طول تاریخ روحانیت، از اول اسلام تا حالا، وجود داشته؟ این اجتماعات بزرگ کی وجود داشت؟ این نمازجمعه‌ها کی وجود داشت؟ این همه جوان مشتاق و تشنه‌ی معارف کی وجود داشت؟ امروز این جوانهای دانشجو و غیر دانشجو را که مشاهده می‌کنید - حالا من دانشجوها را می‌گویم - همه‌شان تقریباً و تغلیباً مشتاقند از مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی چیزهایی را بشناسند و چیزهایی را بفهمند و سر در بیاورند. من و شما باید زمینه فراهم کنیم که بتوانیم به آن‌ها جواب دهیم.^۱

بررسی آسیب‌های اخلاقی در فضای مجازی

با بررسی فضای مجازی به عنوان این که یکی از فضاها می‌باشد که امروزه در اختیار ما می‌باشد و کاربرد بسیار فراوانی هم دارد می‌توان برای این

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۴، صفحه: ۳۸.

فضا در کنار همه خوبی‌ها آفت‌هایی را هم در نظر گرفت که به این فضا لطمه‌هایی را وارد می‌کند و شاید بتوان گفت این آفت‌ها تمام محاسن این فضا را از بین برده است.

۱. شکاف دیجیتال^۱

در این ایام و روزگار رشد کردن فن آوری و اطلاعاتی که در دست مردم هست به شکاف اجتماعی در میان نسل‌های اجتماع و مقاطع مختلف سنی دامن زده است و حتی در مواردی هم دچار اختلافات فکری هم شده است به این صورت که در مقاطع سنی مختلف میزان استفاده از فضای مجازی بسیار زیاد متفاوت می‌باشد و در سنین نوجوانی استفاده از اخبار و اعتماد به آن خیلی بیشتر است از سنین جوانی و همچنین جوانان استفاده بیشتری را از بزرگ سالان در این فضا دارند و این فضا را به خود اختصاص داده‌اند به همین دلیل شناختی که از سایر هم دارند طبیعتاً متفاوت می‌باشد که به این اتفاق شکاف دیجیتال می‌گویند. البته این نکته را هم باید خاطر نشان کرد که وقتی این اتفاق رخداد و چنین شکافی اتفاق افتاد پیامدهای گسترده‌ای خواهد داشت و عوارض خطرناک‌تری را هم به دنبال خود دارد. این صدمات در جایی خود را نمود می‌دهد که در یک خانواده امروزی فاصله بین نسل‌ها زیاد شده است و پدر و مادر شناخت آنچنانه‌ای از فضای مجازی ندارند ولی فرزندان آن‌ها کاملاً با این فضا آشنا هستند و در شبانه روز بیشترین وقت خود را در این فضا سپری می‌کنند

۱. این معنی در یک کاربرد به معنی نابرابری‌های توزیع جهانی در زمینه دسترسی به تکنولوژی اطلاعات و در کاربردی دیگر به معنای سبقت گرفتن نسل‌های جدیدتر نسبت به نسل‌های قدیمی است که مراد ما در این جا معنی دوم می‌باشد.

و خانواده از خطراتی که فرزندانشان را در این فضا تهدید می‌کنند با خبر نیستند و با خیال راحت فرزندشان را در این فضا تنها رها کرده‌اند.

این درحالی است که در اخبار متعدد مصاحبه‌ای پخش شد از باراک اوباما رئیس جمهور اسبق امریکا که در گفتگو با شبکه‌ای بی سی نیوز در جواب این پرسش که: سوالی که بسیاری از والدین با آن مواجه هستند این است که فرزندان آن‌ها تا چه حد باید به شبکه‌هایی همچون فیسبوک، توئیتر و اینستاگرام دسترسی داشته باشند؟^۱ پاسخ دادند: مالایا دختر بزرگ ما که ۱۵ سال سن دارد دسترسی محدود به فیسبوک داشته و ساشا دختر کوچکمان که ۱۲ سال سن دارد هنوز به حد کافی بزرگ نشده تا از فیسبوک استفاده کند.

این معنی و مفهوم استفاده از فضای مجازی می‌باشد که باید در تمام خانواده‌های ما مسلمانان هم نهادینه شود در کشور امریکا که غالباً مسلمان نیستند کامران نجف زاده از میزان استفاده کودکان از فضای مجازی این طور خبر می‌دهد: «با توجه به آنکه آمریکا نسبت به اروپا جامعه مذهبی‌تری است، به همان نسبت دغدغه والدین به آنچه کودکان در اینترنت به آن دسترسی دارند هم بیشتر است. ایالت متحده آمریکا برای مقابله با آسیب‌ها و تهدیدات فضای مجازی برای کودکان، قوانین مستقلی مثل قانون کوپا (COOPA)^۱ و سیپا

۱. قانون کوپا یکی از قوانین حمایت از حقوق کودکان در فضای مجازی در ایالت متحده آمریکا است که این قانون دسترسی کودکان زیر سن قانونی را به موارد آسیب‌رسان در اینترنت محدود می‌کند. به این صورت که محتواهای مستهجن و پرمخاطره در اینترنت تنها پس از تأیید سن یا ورد کد برای

(CIPA) را در سال ۲۰۰۰ به تصویب رساند که این قوانین میزان دسترسی به اینترنت را مشخص و محدود می‌کنند.»

در پایان این بخش راهکارهایی را ارائه می‌دهیم برای پر کردن این شکاف دیجیتال به عنوان اولین راه حل شاید بتوان به این مسئله اشاره کرد که بزرگ‌ترها در خانواده باید همیشه خطرات این فضا را به کوچک‌ترها گوشزد کنند در کنار این مطلب که خودشان هم استفاده از این فضا را به حداقل برسانند ولی مطالعه در این باب را زیادتر کنند.

دومین راهکار می‌تواند این باشد که والدین با فرزندان خود ارتباط عمیق‌تر و بهتری داشته باشند که فرزندان آن‌ها پدر و مادر خود را امین خود بدانند و بتوانند حتی کوچکترین قضایا را برای پدر و مادر خود بازگو کنند وقتی این اتفاق در خانواده می‌افتد خانواده تبدیل به یک مامن گاه برای اهل آن می‌شود.

۲. خود عالم‌پنداری

یکی دیگر از مشکلاتی که شاید بتوان آن را به عنوان آفت فضای مجازی دانست این می‌باشد که همه ما به نحوی خود را عالم در همه زمینه‌ها می‌دانیم و هر گاه به مشکل و یا مساله‌ای برخورد می‌کنیم فکر می‌کنیم این راه حل که در این فضا هست درست است و برای خودمان هم آن را اجرا می‌کنیم و به این مطلب اصلاً فکر نمی‌کنیم که آیا این سخنان درست هستند یا خیر و آیا این

مخاطب بزرگ‌سال نمایش داده می‌شود. از سوی دیگر، هر سایت تجاری با محتوای مضر که توسط افراد زیر سن قانونی قابل دسترسی باشد، غیرقانونی اعلام می‌شود.

۱. قانون سیاست ایمنی اینترنت در مدارس و کتابخانه‌های آمریکا شامل اقدامات حفاظتی در برابر محتواهای مستهجن، پورنوگرافی و محتواهای مضر برای کودکان بوده و کتابخانه‌ها ملزم به فراهم کردن اقدامات حمایتی و حفاظتی برای عدم دسترسی کودکان به این محتواها هستند.

نسخه برای ما هم می‌تواند باشد یا خیر؟ مثلاً مطلبی در یک رسانه پخش می‌شود اکثر مخاطبان بدون این که تحقیق کنند که آیا چنین اتفاقی افتاده است یا خیر واز صحت و سقم این قضیه با خبر شوند بدون تحقیق و بدون دلیل آن را برای همه مخاطبان و گروه‌ها پخش می‌کنند در حالی که امیر المومنین به عنوان امام شیعیان شاخص را برای ما اعلام کرده‌اند:

أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ إِلَّا أَرْبَعُ أَصَابِعَ - فَسُئِلَ عَنْ مَعْنَى قَوْلِهِ هَذَا، فَجَمَعَ أَصَابِعَهُ وَوَضَعَهَا بَيْنَ أُذُنَيْهِ وَ عَيْنَيْهِ - ثُمَّ قَالَ: أَلْبَاطِلُ أَنْ تَقُولَ: سَمِعْتُ وَ الْحَقُّ أَنْ تَقُولَ: رَأَيْتُ^۱.

هان! میان حق و باطل جز چهار انگشت فاصله نیست. از آن حضرت درباره معنای این فرمایش سؤال شد. امام انگشتان خود را به هم چسباند و آن‌ها را میان گوش و چشم خود گذاشت و آن گاه فرمودند: باطل این است که بگویی: شنیدم و حق آن است که بگویی: دیدم.

این کلام به این معنی می‌باشد که هر حرفی را بدون سند و مدرک معتبر باور نکنیم و هر سخنی را نپذیریم و بدون دلیل آن را نشر ندهیم. مثلاً به یک نمونه از این اخبار که متأسفانه انتساب داده شده است به رهبر معظم انقلاب توجه کنید که ما در اینجا به عنوان یک فصل جداگانه بررسی کرده‌ایم:

۱. نهج البلاغه خطبه ۱۴۱.



بررسی یک انتساب نادرست

یکی از شایعات و کلماتی که نسبت داده می‌شود به رهبر معظم انقلاب این است که ایشان فرموده‌اند: «اگر من امروز رهبر انقلاب نبودم، رئیس فضای مجازی کشور می‌شدم.»

این یکی از شایعه‌های رایج در فضای حقیقی و مجازی است که متأسفانه وقتی افراد مختلف مخصوصاً نیروهای انقلابی و حزب الهی می‌خواهند راجع به اهمیت فضای مجازی صحبت کنند، فراوان به آن استناد می‌کنند، بدون آنکه تحقیقی در مورد این بیان داشته باشند.

پس از یک جستجو مختصر متوجه می‌شویم که: اولاً، اکثر افراد فقط نقل قول بی سند نموده‌اند؛ ثانیاً، در برخی از سایت‌ها و صفحات مجازی، پس از بیان این جمله و یک متن مخدوش، فقط به یک تاریخ ۲۰ مهرماه ۱۳۹۱ اشاره شده است، بدون آنکه ذکر شود که این سخنان در کجا و در چه جمعی بیان شده است.

پس بررسی‌های انجام شده مشخص شد، سخنرانی مذکور نه در تاریخ ۲۰ مهر، بلکه در تاریخ ۱۹ مهرماه ۱۳۹۱ در جمع طلاب و روحانیون استان خراسان شمالی انجام شده و در آن سخنرانی حضرت آقا بر استفاده از "فضای مجازی" در کنار "فضای حقیقی" برای تبلیغ دین و رساندن سخن خود به مستمعین، تأکید فرموده‌اند.

لذا ضروری به نظر می‌رسد که گویندگان محترم قبل از آنکه به سخنی از حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) و حضرت آقا (حفظه الله تعالی)، استناد کنند، از صحت انتساب آن، حتماً مطمئن شوند نه این که چون حرفی منتسب هست به رهبر انقلاب بدون تحقیق آن را پخش کنیم.

یکی از اشکالاتی که در مد نظر مقام معظم رهبری است و ایشان از آن به بی عدالتی تعبیر دارند و می‌فرمایند: امروز در فضای مجازی انسان گاهی اوقات بی‌عدالتی مشاهده می‌کند؛ خلاف می‌گویند، تهمت می‌زنند، دروغ می‌گویند، قول بغیر علم می‌گویند؛ این‌ها بی‌عدالتی است، این‌ها نباید انجام بگیرد. آن کسی که با فضای مجازی سر و کار دارد، باید خودش مراقبت کند، و آن کسی که فضای مجازی را در اختیار دارد، بایستی مراقبت مضاعف بکند که این کارها انجام نگیرد. یاد بگیریم، عادت کنیم که عادلانه با مردم رفتار بکنیم؛ عادلانه حرف هم که می‌زنیم، شما ممکن است با یک نفری بد باشید، او را قبول هم نداشته باشید؛ عیبی ندارد، نظر شما است، ممکن است نظر درستی هم باشد اما این را با تهمت، با دروغ، با اهانت، با این چیزها نبایستی آلوده کرد؛ آلوده شدن اینها خیلی بد است.^۱

۳. اعتیاد به اینترنت

یکی دیگر از آفات اعتیاد به اینترنت می‌باشد که این این اصطلاح حداقل از سال ۱۹۹۶، یعنی با فاصله‌ی نسبتاً کوتاهی از فراگیر شدن وب، توسط محققى به نام کیمبرلی یانگ (Kimberley Young) به کار رفته است. یانگ حتی در سال ۱۹۹۸ پرسشنامه‌ای برای سنجش اعتیاد به اینترنت پیشنهاد کرد که امروزه از آن با عنوان پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ یا IAT مخفف Internet Addiction Test) یاد می‌شود. و متأسفانه این نوع از اعتیاد، اعتیادی رفتاری

۱. بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام ۱۴۰۰/۰۸/۰۲.

است که در آن، فرد به استفاده از اینترنت یا سایر دستگاه‌های آنلاین وابسته می‌شود تا از این طریق با استرس‌های زندگی مقابله کند.

این که از کجا متوجه بشویم که ما معتاد به اینترنت شده‌ایم یا خیر برخی از پژوهشگران شاخصه‌هایی را ارائه داده‌اند مثلاً گفته شده مقیاس زمانی ده تا نوزده ساعت وقت در هفته تلف کردن در فضای وب را یک نوع اعتیاد به اینترنت می‌دانند همچنین رئیس مرکز درمان اعتیاد دانشگاه استنفورد ایالات متحده گفته است: کاربری که نتواند روزی را بدون اینترنت سپری کند یقیناً معتاد به اینترنت است.^۱

اما برای این که خودمان را از اعتیاد به اینترنت نجات دهیم می‌توانیم چندین کار را انجام دهیم.

۱. تعیین زمان‌های مشخصی برای استفاده از اینترنت

برای خودمان زمان مشخص کنیم که فقط مثلاً روزانه ده دقیقه را در این فضا قرار می‌گیریم و بیشتر سعی ما بر این باشد که به اصل منابع رجوع کنیم تا خود اینترنت اگر ما اهل مطالعه و کتاب باشیم دیگر راحت طلب نخواهیم شد که بخواهیم فقط از فضای وب استفاده کنیم و برای استفاده از اخبار و اطلاعات هم به سراغ مطالعه خود جراید و روزنامه‌ها برویم.

۲. بیشتر کردن ارتباط با خانواده و دوستان

در یک تحقیقات جالب این را نشان می‌دهد که فضای وب ما را از اهل خانواده و فضای حقیقی دوستان جدا می‌کند و حتی در مهمانی‌های شبانه و

۱. علوی اعتیاد اینترنتی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ص ۲۰-۲۹.



دوره‌می‌ها هم شاید در میان جمع باشیم از نظر ظاهر ولی واقعاً با فضای مجازی بیشتر هستیم به جای این کار بهتر است که ارتباط خودمان را با اقوام و خویشان بیشتر کنیم و از آن‌ها بخواهیم که همه فضای مجازی را کنار بگذاریم و ساعاتی را با هم دیگر باشیم تا لذت با هم بودن را بیشتر درک کنیم مثلاً در درب منزل میزبان نوشته‌ای باشد که ورود با گوشی ممنوع و همه اقوام گوشی‌های خودشان را برای ساعتی از خودشان دور کنند تا این لذت با هم بودن را بیشتر درک کنند.

۳. استفاده از پاداش و تنبیه

برای خودمان واقعاً تنبیهی را در نظر بگیریم اگر استفاده ما از اینترنت بیشتر شد خودمان را تنبیه کنیم و این تنبیه نباید زیاد سنگین باشد که از حد و توان ما بیشتر باشد از قدیم این ضرب المثل رایج بوده است که «سنگ بزرگ علامت نزدن است» حالا ما هم در این جا می‌گوئیم تنبیه بزرگ نشانه انجام ندادن است باید تنبیهی را در حد و اندازه خودمان برای استفاده بیش از حد در نظر بگیریم شهید سید مجتبی علمدار در راه رسیدن به خدا برای خود تنبیهاتی را در نظر گرفته است که این تنبیهات را در طول ده ماه انجام می‌داده است و در ابتدا از کارهای راحت‌تر شروع کرده است و بعداً به سراغ کارهای سخت‌تر رفته است این تنبیهات از این قرار هستند.

قانون اول: بارالها، اعتراف می‌کنم از اینکه قرآن را نشناختم و به قرآن عمل نکردم. حداقل روزی ده آیه قرآن را باید بخوانم. اگر روزی کوتاهی کردم و به هر

دلیلی نتوانستم این ده آیه را بخوانم روز بعد باید حتماً يك جزء کامل بخوانم. (تاریخ اجراء ۶۹/۵/۴)

قانون دوم: پروردگارا! اعتراف می‌کنم از اینکه نماز را بی معنی خواندم و حواسم جای دیگری بود، در نتیجه دچار شك در نماز شدم. حداقل روزی دو رکعت نماز قضا باید بخوانم. اگر روزی به هر دلیلی نتوانستم این دو رکعت نماز را بخوانم، روز بعد باید نماز قضای يك ۲۴ ساعت (۱۷ رکعت) بخوانم. (تاریخ اجراء ۶۹/۵/۱۱)

قانون سوم: خدایا! اعتراف می‌کنم از اینکه مرگ را فراموش کردم و تعهد کردم مواظب اعمالم باشم ولی نشدم. حداقل هر شب قبل از خواب باید دو رکعت نماز تقرّب بخوانم. اگر به هر دلیلی نتوانستم این دو رکعت را بجا بیاورم روز بعد باید ۲۰ ریال صدقه و ۸ رکعت نماز قضا بجا بیاورم. (تاریخ اجراء ۶۹/۵/۲۶)

قانون چهارم: خدایا! اعتراف می‌کنم از اینکه شب با یاد تو نخوابیدم و بهر نماز شب هم بیدار نشدم. حداقل در هر هفته باید دوشب نماز شب بخوانم و بهتر است شبهای پنجشنبه و شب جمعه باشد. اگر به هر دلیلی نتوانستم شبی را بجا بیاورم باید بجای هر شب ۵۰ ریال صدقه و ۱۱ رکعت تمام را بجا بیاورم. (تاریخ اجراء ۶۹/۶/۱۶)

قانون پنجم: خدایا! اعتراف می‌کنم از اینکه «خدا می‌بیند» را در همه کارهایم دخالت ندادم و برای عزیز کردن خودم کارکردم. حداقل در هر هفته باید دو صبح زیارت عاشورا و صبح جمعه باید سوره الرحمن را بخوانم. اگر به هر دلیلی نتوانستم زیارت عاشورا را بخوانم باید هفته بعد ۴ صبح زیارت عاشورا و يك جزء قرآن بخوانم و اگر صبح جمعه‌ای نتوانستم سوره الرحمن بخوانم باید



قضای آن را در اولین فرصت به اضافه ۲ حزب قرآن بخوانم. (تاریخ اجراء ۶۹/۷/۱۳)

قانون ششم: حداقل باید در آخرین رکوع و در کلیه سجده‌های نمازهای واجب صلوات بفرستم. اگر به هر دلیلی نتوانستم این عمل را انجام دهم، باید به ازای هر صلوات ۱۰ ریال صدقه بدهم و ۱۰۰ صلوات بفرستم. (تاریخ اجراء ۶۹/۸/۱۸)

قانون هفتم: حداقل باید در هر ۲۴ ساعت ۷۰ بار استغفار کنم. اگر به هر دلیلی نتوانستم این عمل را بجا آورم، در ۲۴ ساعت بعدی باید ۳۰۰ بار استغفار کنم و باز هم ۳۰۰ به ۶۰۰ تبدیل می‌شود. (تاریخ اجراء ۶۹/۹/۳۰)

قانون هشتم: هر کجا که نماز را تمام می‌خوانم باید در هفته ۲ روز را روزه بگیرم، بهتر است که دوشنبه و پنج‌شنبه باشد. اگر به هر دلیلی نتوانستم این عمل را بجا بیاورم در هفته بعد به ازای دو روز ۳ روز و به ازای هر روز ۱۰۰ ریال صدقه باید بپردازم. (تاریخ اجراء ۶۹/۱۱/۱۹)

قانون نهم: در هر روز باید ۵ مسئله از احکام حضرت امام (ره) را بخوانم. اگر به هر دلیلی نتوانستم این عمل را بجا بیاورم روز بعد باید ۱۵ مسئله بخوانم. (تاریخ اجراء ۷۰/۱/۱۴)

قانون دهم: در هر ۲۴ ساعت باید ۵ بار تسبیح حضرت زهرا (س) برای نماز یومیه و ۲ بار هم برای نماز قضا بگویم. اگر به هر دلیلی نتوانستم این فریضه الهی را انجام دهم باید به ازای هر یکبار، ۳ مرتبه این عمل را تکرار کنم. (تاریخ اجراء ۷۰/۳/۱۵)



البته این قوانین برای رسیدن به خداوند می باشد که ما هم می توانیم شبیه این قوانین را در فضای مجازی استفاده کنیم و برای خودمان شبیه این تنبیهات را در نظر بگیریم.

۴. جذب مخاطب به هر قیمت

متأسفانه امروزه برخی از مدیران کانالها برای این که مخاطب خود را جذب کند و از او بخواهند که در کانال بماند حاضر هستند دست به هر کاری بزنند یکی از این فعالیتها را مقام معظم رهبری در بیان دیگر این گونه نقل می کنند «مرحوم سید قطب جریانی را در یکی از کتابهایش می نویسد، که من پیش از انقلاب آن کتاب را ترجمه کردم. می گوید به یکی از شهرهای امریکا رفتم و دیدم دم در یک کلیسا اطلاعیه ای نصب کرده اند: «امشب یک برنامه ی رقص و شادی و شام سبک و موسیقی اجرا می شود.» تعجب کردم که کلیسا به چه مناسبت اینها را اعلام کرده! می نویسد: کنجکاو شدم در آن ساعت معین بروم ببینم چه خبر است. دیدم بله، یک سالن رقص در کنار سالن کلیساست؛ زوج های جوان می آیند و می رقصند؛ موسیقی های محرك و شهوانی هم پخش می شود! افراد یک خرده مسن تر هم کنار نشسته اند و تماشا می کنند و از نگاه کردن لذت می برند! کشیش هم اواخر شب روی سن ظاهر شد و با رفتار خیلی آرام و ملایم رفت نور چراغها را تنظیم کرد! می گوید فردا رفتم سراغ کشیش؛ گفتم شما کشیش هستید یا کاباره دار؟! اینجا کلیساست یا سالن رقص؟! کشیش گفت من به این وسیله می خواهم جوانها را به کلیسا جذب کنم! این طوری می شود جوانها را به کلیسا جذب کرد؟! جوانها به کلیسا جذب نشدند، بلکه به



سالن رقص متعلق به کلیسا جذب شدند! سالن رقص متعلق به کلیسا مگر امتیازی دارد؟^۱

اگر در یک فضای مجازی و یا یک کانال به عنوان مدیر هستیم باید تمام هم و غم ما این باشد که کاری را که می‌خواهیم انجام دهیم به عنوان رضای خدا باشد نه این که کاری را که می‌خواهیم انجام دهیم به عنوان دیده شدن بیشتر باشد و به همین خاطر حاضر باشیم دست به هر کاری بزنیم.

۵. تغییر سبک زندگی

یکی از بلاها و آفت‌هایی که فضای مجازی به مخاطبان خود القا می‌کند تغییر سبک زندگی می‌باشد که خواسته یا ناخواسته مخاطب را به سمتی می‌کشاند که خودش می‌خواهد و خود به خود سبک زندگی مخاطب با تغییراتی رو به رو می‌شود.

اتاق‌های گفتگو و شبکه‌های اجتماعی محلی برای ابراز عقاید و باورها و طرح شبهات است بی آنکه کاربر شناخته شود یا برجسب بخورد. به ویژه آنکه در بسیاری از موارد، جوانان و نوجوانان ما مجال مناسبی برای ابراز وجود و بیان دیدگاه‌ها و شبهات دینی خود پیدا نمی‌کنند. در مقابل اما اغلب کسانی که توانایی پاسخگویی به این سؤالات و شبهات را دارند، در این شبکه‌ها عضو نیستند یا حضورشان آن چنان کم‌رنگ است که در عمل، این فضاهای اینترنتی به محملی برای ترویج باورهای انحرافی و شبهاتی می‌شود که می‌تواند زیر بنای

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۶، صفحه: ۴۳.

فکری جوان و نوجوان را دستخوش تغییر کند؛ آنچنان که سبک زندگی وی را آن قدر غربی نماید که حدود ارتباط با نامحرم را زیر پا بگذارد. از سوی دیگر، بسیاری از کاربران فضای مجازی، جوانان متأهلی هستند که در اتاقهای گفت و گو و شبکه‌های اجتماعی عضو می‌شوند و برخی از تصاویر بدحجاب به نمایش درآمده در آلبوم‌های فضای مجازی، زنان شوهردار هستند و این به معنای آن است که فضای مجازی، نظام ارزشی موجود در جامعه‌ی ما را از طریق تغییر در سبک زندگی، دچار دگرگونی نموده است. همین تصاویر و پوشش‌های نامتعارف اما خط قرمزهای ارتباط نامحرم را می‌شکند و در نهایت، موجب فراهم آمدن زمینه‌های خیانت در زندگی و ارتباطات نامشروع می‌شود.

راه کارهای گسترش اخلاق در فضای مجازی

برای این که اخلاق در فضای مجازی گسترش پیدا کند باید در ابتدا هر فرد اخلاق خود را به بهترین وجه انجام دهد و سعی داشته باشد که اخلاق فردی را بهتر کند زیرا اگر اخلاق فردی درست شود طبیعتاً این اخلاق باعث می شود که در همه جوامع این چنین فردی بی اخلاقی نکند همیشه اخلاق را حفظ کند ولی باز هم به خاطر این که این بخش بدون راهکار نماند از باب این فضا دو راهکار ارائه می شود.

۱. احترام به حریم خصوصی دیگران

اولین اقدامی که هر فرد باید انجام دهد در فضای مجازی این می باشد که به حریم خصوصی دیگران احترام بگذارد و همیشه این مطلب را به یاد داشته باشیم که هیچ فردی به شکل خودمختار اجازه سرک کشیدن به حریم خصوصی دیگران را ندارد، مگر اینکه خود شخص اجازه چنین اقدامی را به او داده باشد.

به این نکته باید توجه داشت که حریم خصوصی به معنی مرزهای فیزیکی، ذهنی و احساسی مخصوص هر فرد است که مانعی برای سودجویی و تجاوز دیگران به آزادی هر شخص می شود. حریم شخصی باعث شده که هر فرد بتواند هویت، عقاید، نگرش و احساسات خاص خود را داشته باشد. ضعف در حفظ حریم شخصی، باعث آسیب پذیری و مشکلات جدی برای فرد می شود، به طوری که هر کسی به خود اجازه می دهد حریم آن فرد را زیر پا گذاشته و وارد حریم امن او شود. احترام به حریم دیگران نیز یک امر واجب و بسیار ضروری

است، چرا که بدون احترام به حریم خصوصی دیگران، روابط اجتماعی مناسبی ایجاد نمی‌شود. در برخی از جوامع نقلقولی مطرح می‌شود به این مضمون که در بین دوستان دیگر آداب حذف می‌شود «و تَسْقُطُ الْأَدَابُ بَيْنَ الْأَحْبَابِ» متأسفانه ناقلین این حرف هم این سخن را به معصومین نسبت می‌دهند که در جواب باید گفت که این حرف اصلاً درست نیست و در کتب روایی ما هم نیامده است و بر فرض این که این سخن درست باشد آیا به این معنی می‌باشد که در بین دو دوست دیگر هیچ آدابی نباید رعایت شود و حتی حریم خصوصی هم نباید رعایت شود که قطعاً این معنی مورد نظر نیست بلکه مقصود از این مطلب این است که رعایت آداب، برخی تعارفات و اموری است که معمولاً انسان در میان افراد غریبه خود را ملزم به آن می‌داند (مانند پوشیدن لباس رسمی و...)، این سخن صحیح است؛ زیرا طبیعی است که رعایت برخی از این امور با افرادی که همیشه انسان با آن‌ها رفت و آمد دارد مشکلاتی را به دنبال دارد. اما اگر منظور از آن، تمام آداب و سنت‌هایی است که در اسلام به آن توصیه شده؛ مانند ظاهر آراسته، رعایت بهداشت، خوش اخلاقی، خوش زبانی، و همچنین رعایت نکردن اموری که خارج از ادب است، مانند: به زبان آوردن سخنان زشت و رکیک و...، سخن ناروایی است و مورد تأیید نیست.

۲. شبکه ملی اطلاعات

یکی دیگر از راهکارهایی که می‌توان اخلاق را در آن جا به شدت رعایت کرد و تمامی کاربران دیگر خودشان را ملزم به رعایت اخلاق می‌دانند شبکه ملی اطلاعات می‌باشد که مورد تأکید و درخواست رهبر معظم انقلاب در چند سال گذشته بوده است که متأسفانه تا کنون این درخواست جامه عمل به خودش نپوشانده است ایشان در نامه‌های مکتوب به رئیس جمهور وقت این نکته را



گوشزد کرده‌اند و حتی در سخنرانی‌های عمومی خود این مساله را تبیین کرده‌اند («یکی دیگر از چیزهایی که در مدیریت کشور - که بتوانید کشور را اداره کنید - تأثیر دارد، مسئله‌ی فضای مجازی است؛ فضای مجازی خیلی مهم است. در مسئله‌ی فضای مجازی، آنچه از همه مهم‌تر است، مسئله‌ی شبکه‌ی ملی اطلاعات است. متأسفانه در این زمینه کوتاهی شده، کاری که باید انجام بگیرد، انجام نگرفته؛ این [طور] نمی‌شود. اینکه ما به‌عنوان اینکه نباید جلوی فضای مجازی را گرفت، در این زمینه‌ها کوتاهی کنیم، این مسئله‌ای را حل نمی‌کند و منطق درستی هم نیست. خب امروز فضای مجازی مخصوص ما که نیست، همه‌ی دنیا امروز درگیرند با فضای مجازی؛ کشورهایی که شبکه‌ی ملی اطلاعات درست کرده‌اند و [فضای مجازی را] کنترل کرده‌اند به نفع خودشان و به نفع ارزشهای موردنظر خودشان، یکی دو تا نیستند. بهترین کشورها، قوی‌ترین کشورها، در این زمینه‌ها خطّ قرمز دارند؛ راه نمی‌دهند؛ خیلی از بخشهای فضای مجازی اعزام‌شده‌ی از سوی آمریکا و دستگاه‌های پشت سر و پشت صحنه‌ی این قضیه را راه نمی‌دهند؛ کنترل می‌کنند. ما هم باید کنترل کنیم؛ این کنترل کردن معنایش این نیست که ما ملت را از فضای مجازی محروم کنیم؛ نه، معنایش این نیست. امروز بهمنی از گزاره‌های درست و نادرست دارد روی سر مراجعین اینترنت ما فرود می‌آید؛ اطلاعات غلط، اطلاعات نادرست، اطلاعات مضر، شبهه اطلاعات - بعضی چیزها اطلاعات واقعی نیست، اطلاع‌نمایی است - خب اینها دارد مثل يك بهمنی فرود می‌آید؛ ما چرا باید اجازه بدهیم این اتفاق بیفتد؟ ما چرا باید اجازه بدهیم آن چیزهایی که برخلاف ارزشهای ما است، برخلاف آن اصول مسلم‌ه‌ی ما است، برخلاف همان اجزا و

عناصر اصلی هویت ملی ما است، به وسیله‌ی کسانی که بدخواه ما هستند، در داخل کشور توسعه پیدا کند؟ نه؛ کاری کنید که از منافع و سودها و بهره‌های فضای مجازی همه بتوانند استفاده کنند، سرعت اینترنت را افزایش هم بدهید - این کارهایی که باید انجام بگیرد، انجام بگیرد - اما در آن چیزهایی که به ضرر کشور شما، به ضرر جوان شما و به ضرر افکار عمومی شما نیست. این چیز خیلی مهمی است؛ این کار باید انجام بگیرد. بنابراین، مسئله‌ی شبکه‌ی ملی اطلاعات هم خیلی مهم است»^۱

و در تعریف شبکه ملی اطلاعات می‌توانیم بگوییم که این شبکه پروژه‌ای برای توسعه شبکه زیرساخت امن و پایدار ملی در ایران است. این شبکه با نام‌های دیگری مانند اینترنت ملی، اینترنت ملی ایران و شبکه ملی اینترنت نیز شناخته می‌شود. بر اساس تعریفی که در تبصره ۲ ماده ۴۶ قانون برنامه پنجم توسعه درباره شبکه مورد بحث آمده است و شورای عالی فضای مجازی نیز آن را تصویب کرده، شبکه ملی اطلاعات کشور، شبکه‌ای مبتنی بر قرارداد اینترنت (آپیی)، به همراه سوئیچ‌ها و مسیریاب‌ها و مراکز داده‌ای است. به صورتی که درخواست‌های دسترسی داخلی و اخذ اطلاعاتی که در مراکز داده داخلی نگهداری می‌شوند، به هیچ‌وجه از طریق خارج کشور مسیریابی نشود و امکان ایجاد شبکه‌های اینترنت، خصوصی و امن داخلی در آن فراهم شود.

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۹، صفحه: ۱۹.



منابع و ماخذ

قرآن کریم

۱. ایان، باربور؛ ، بهاءالدین خرمشاهی، علم و دین ، مرکز نشر

دانشگاهی، ۱۳۹۴

۲. حسین حسینی شاه عبدالعظیمی ،تفسیر اثنا عشری،

موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).

۳. حسین بن محمد تقی، نوری ، مستدرک الوسائل و مستنبط

المسائل، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، غلامرضا حسینی ،

ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن،

تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه ، ۱۳۸۳.

۵. جعفر بن محمد ، ابن قولویه، کامل الزیارات، دار

المرتضویه، نجف اشرف، ۱۳۵۶ ش.

۶. جمشید کیانفر، محمد تقی بن محمد علی سپهر، ناسخ

التواریخ ، اساطیر، ۱۳۷۷.

۷. جمشیدی، محمد حسین، مبانی و روش شناسی تبیین (با

تأکید بر اندیشه سیاسی)، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی،

دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸.

۸. خمینی، روح الله ، صحیفه امام ، تهران، موسسه نشر آثار

امام خمینی ، ۱۳۵۹.



۹. زین الدین جبعی عاملی، *الروضه البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة*، (بیروت، دارالعالم الاسلامی)، کتابفروشی داوری تاریخ نشر: ۱۴۱۰ هـ ق
۱۰. سید علی اکبر، قریشی، *قاموس قرآن*، اسلامیه، ۱۳۶۷.
۱۱. سید علی، خامنه‌ای، *همرزمان حسین علیه السلام*، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران - ایران، ۱۳۹۷ هـ.ش.
۱۲. سید علی، خامنه‌ای، *نرم افزار حدیث ولایت*، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران - ایران، ۱۳۹۲ هـ.ش.
۱۳. سلطان محمد، گنابادی، *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، لبنان - بیروت، ۱۴۰۸ هـ. ق شاله، فیلیسین، عیسی مهدوی، *شناخت روش علوم یا فلسفه‌ی علمی*، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
۱۴. شعیری، محمد بن محمد، *جامع الأخبار (لشعیری)*، مطبعة حیدریة - نجف، چاپ: اول، بی تا، ۱۳۸۰.
۱۵. عبدالحسین، طیب، *اطیب البیان (سید عبدالحسین طیب)*، اسلام، ایران - تهران، ۱۳۶۹ هـ. ش.
۱۶. علی بن موسی، ابن طاووس، *کشف المحجبة لثمرة المهجعة*، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۵ هـ. ش.



۱۷. محمد حسن، نجفی، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، (دارالکتب الاسلامیه)، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت- لبنان.
۱۸. محمدعلی، رضایی اصفهانی، *تفسیر قرآن مهر*، ۲۴ جلد، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۸۷ ه. ش.
۱۹. محمد، ثقفی تهرانی، *تفسیر روان جاوید*، برهان، ایران- تهران، ۱۳۹۸ ه. ق.
۲۰. محمد بن حسین، شریف الرضی، *نهج البلاغة (للمصباحی صالح)*، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق
۲۱. محمد بن احمد، قتال نیشابوری، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة)*، انتشارات رضی، ایران؛ قم، ۱۳۷۵ ش.
۲۲. محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، *بحار الأنوار (ط - بیروت)*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. محمد بن یعقوب بن اسحاق، کلینی، *الکافی (ط - دارالحدیث)*، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۴. مرتضی، مطهری، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، نرم افزار.
۲۵. ناصر، مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، *برگزیده تفسیر نمونه*، تنظیم احمد علی بابایی، تهران: دارالکتب اسلامیه، ۱۳۸۶ ش.



هر کدام از شما به عنوان یک وظیفه. مثل یک چراغی. مثل یک نوری پیرامون خودتان را روشن کنید. امروز خوشبختانه میدان باز است برای انتشار افکار. این فضای عمومی در کنار مشکلاتی که ممکن است به وجود بیاورد. برکات بزرگی هم دارد. میتوانید افکار درست را. افکار صحیح را منتشر کنید. پاسخ به اشکالات را. پاسخ به ابهام‌آفرینی‌ها را در این فضا با استفاده‌ی از این امکان منتشر کنید و میتوانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

۱۴۰۰/۰۴/۰۵